



عصر

روزنامه اجتماعی اقتصادی
چهارشنبه
۸ اسفند ۱۴۰۳ • ۲۷ شعبان ۱۴۴۶ • 26 Février 2025
۸ صفحه • پنج هزار تومان • سال سوم • شماره بانصدوسی و هفت
www.asrghanoon.ir

آدام - همتی

خبر استیضاح وزیر اقتصاد به بی‌ثباتی بازار دامن زد

رئیس‌جمهور در واکنش به طرح «استیضاح وزیر امور اقتصادی و دارایی» گفت: با تغییر آدم‌ها مشکل حل نخواهد شد. اقتصاد و تلاطم‌های اقتصادی تأثیر زیادی از اخبار و اتفاقات می‌گیرد و در این اوضاع که گاهی یک تصمیم حتی در کشورهای دیگر بازار را دچار نوسان می‌کند؛ با این توصیف خبر استیضاح وزیر اقتصاد هم به بی‌ثباتی بازار دامن زده است. همواره تأکید کرده‌ام که با دعوا مشکلی حل نخواهد شد. رئیس‌جمهور به برنامه ویژه دولت برای ساخت نیروگاه‌های خورشیدی، بادی و گرمایی اشاره کرد و گفت: موضوع توسعه نیروگاه‌های خورشیدی، بادی و گرمایی را شخصا و به شکل ویژه دنبال می‌کنم. رئیس‌جمهور این موضوع را در نظر نگرفته که خیلی وقت است که بی‌ثباتی اقتصادی فراگیر و دامن زده شده است! و تغییر وزیر ممکن است قدری اذهان را معطوف به خود کند.

راز دشمنی با ایرانی‌ها چیست؟



وقتی رضاخان با صراحت می‌گوید، ایرانی‌ها سیرتا و صورتاً باید غربی شوند، این نگاه هدفی جز نابودی هویت ملت بزرگ ایران را با خواست غربی‌ها دنبال نمی‌کند.

این قصه سر دراز دارد



این یعنی شمال اسرائیل حالا حالاها امن نخواهد شد. همانطور که داخل و چپ و راست و جنوبش نیز امن نخواهد شد. جوشش مردم یعنی حالا حالاها این قصه سر دراز دارد.

تحقق ادراک و احساس در هوش عمومی مصنوعی



به دلیل وجود مباحث مهم بنیادین در حوزه فناوری هوش مصنوعی، در ایران اسلامی همگام با پیشرفت‌های مهندسی، می‌بایست مباحث فلسفی و تحلیلی در این حوزه نیز جدی گرفته شود.

درد و داغ جبهه انقلاب



جریان انقلابی، وقتی مشاهده می‌کند که هم اقتصاد و هم فرهنگ، قربانی معادلات سیاسی شده‌اند و حاکمیت در وضع قفل‌شدگی و انقباض و فروبستگی گرفتار آمده، چاره‌ای جز نقادی صریح ندارد.

حماس قوی‌تر از همیشه در میدان



هرچه ایالات متحده بیشتر به اسرائیل کمک کند، نه تنها با شکست مواجه خواهد شد، بلکه این حمایت‌ها برای خود ایالات متحده نیز هزینه‌های بیشتری خواهد داشت، زیرا افکار عمومی آمریکا در برابر رویکردهای رژیم صهیونیستی ایستاده‌اند.

درآمدی تئوریک بر هویت اجتماعی



کاربر به طور همزمان، هم در مکان فیزیکی و هم در مکان بازنمایی شده حاضر می‌شود. این حضور دوگانه پرسش متافیزیکی مکان را باردیگر نمایان می‌سازد.



مقاومت، زیبایی مستور

محمدپورکیانی

۱. معجزه را امر خلاف عادت، فراطبیعی، غیرقابل محاسبه علمی و نشانه‌ای از دست ربوبی دانسته‌اند. برای مردمان ظاهرین، عصا اژدها می‌شود، مرده زنده می‌شود، غذا نازل می‌شود، و برای برخی دیگر کلام و بیان الهی اعجاز می‌کند. اگر زنده کردن بدن یک مرده، اعجاز الهی است، احیای قلوب زنگ زده میلیون‌ها نفر اعجاز نیست؟ شهادت و خون، دل‌ها را زنده می‌کند، ولی معجزه مقاومت بیش از شهادت است. شهید روی دستان مردم قرار می‌گیرد و اشک‌ها را جاری می‌کند، و ممکن است حتی به حرکت و قیام مردم بینجامد، ولی وقتی از حاج قاسم سلیمانی و سیدحسن نصرالله یاد می‌کنیم درباره امری سخن می‌گوییم فراتر از شهادت. آن‌ها قبل از شهید شدن، معجزه می‌کردند، با سخن خود، با لبخند و قهر خود و با حماسه خود. این‌ها جذابیت‌های یک چریک مبارز نیست، بلکه یک زیبایی اخلاقی نمونه است که در مرز نواحی سیاسی حاضر شده و صداقت خود را با فداشدن نشان می‌دهد. به تعبیری که امروزه از تکرار آن ظفره می‌رویم، این همان «پیوند قدرت و معنویت» و «دین و سیاست» است؛ همان که «مقاومت» می‌نامیم. مقاومت «زیبا» است، و این زیبایی، معنا و معجزه جدید الهی برای مردمان عصر ماست.

۲. جامعه‌شناس معروف غربی در شلوفی انقلاب ایران، از دیدن روح معنوی انقلاب در کالبد جهان بی روح می‌گوید، و با آن پژوهشگر غربی، زمان انقلاب ما ایرانیان را زمانی غیر زمان‌ها و برقی از ملکوت توصیف می‌کند. همگی می‌دانیم که زندگی روزمره اهمیت دارد، GDP خیلی اهمیت دارد، توسعه نامتوازن نیز مساله مهمی است، ولی آیا به اندازه این‌ها، از جهان بی معنا می‌ترسیم؟ وارد این مشاجره بی پایان نشویم که این سخنان آرمانی و عاقبت‌طلبانه چه ارزشی دارد، اگر در تامین آب و نان خود مانده‌ایم! و این دوگانه‌های تکراری که انقلاب ایران یک خیزش «معنوی» بود یا یک اصلاح «مدنی»، انقلاب ایران یک راز آسمانی است یا یک مساله زمینی! شیعه یک تمنا آرمان گرایانه معنوی است یا یک طرح برای ساخت مدینه فاضله! اگر نتوانیم از این دوگانه‌ها بیرون بیاییم میان معنویت و مدنیت تعارضی می‌سازیم که با هر انتخابی شکست خوردیم. توراتی‌ترین امر دوران ما و بلکه معجزه زیبای دوران ما «پیوند سیاست و معنویت» است و این یعنی مدینه معنوی. زندگی روزمره با تمام نیازهای آن بدیهی‌ترین و اولی‌ترین دستور سیاست است، ولی از سیاست بی‌معنا و نازیبا نیز باید ترسید. چرا که با از دست رفتن معنای زندگی، دلیلی برای زندگی کردن باقی نمی‌ماند. حال این زندگی با تولید ناخالص بالا همراه باشد یا پایین! جامعه روشنفکری ایران متوجه این دارایی بی‌بدیل جامعه ایران است؟



راز دشمنی با ایرانی‌ها چیست؟

یدالله جوانی

هر ملت و کشور مستقلی برای تأمین منافع ملی و امنیت خود، باید هم تهدیدهای علیه منافع و امنیتش را بشناسد و هم با تولید قدرت و ایجاد آمادگی‌های لازم در خود، بهنگام با هر نوع تهدیدی برخورد مناسب را داشته باشد. کشور و ملت ایران در طول ۲۰۰ سال گذشته، همواره با انواع تهدیدها از سوی قدرت‌های جهانی مواجه بوده و در مقاطعی به دلیل برخوردار نبودن از مجموعه شرایط لازم برای دفاع، آسیب‌های جدی دیده است. برای نمونه، به دلیل بی‌کفایتی حاکمان، در دوران قاجار با جنگ و در دوران رژیم دست‌نشانده پهلوی از سوی بیگانه بدون جنگ، حدود یک میلیون کیلومتر مربع از سرزمین پهناور ایران جدا شده است؛ اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی با توجه به تشدید دشمنی‌ها علیه ملت و کشور از یک‌سو و اراده قدرت‌های جهانی برای تجزیه و کوچک‌تر کردن ایران از طریق جنگ از دیگر سو، با توجه به ماهیت کاملاً مردمی نظام جمهوری اسلامی و دلایل دیگر، یک وجب از خاک ایران جدا نشد.

دشمنی‌های دشمنان کشور و ملت ایران، اکنون به دلیل پیشرفت‌ها و قدرت‌یابی ایرانیان در حوزه‌های گوناگون، به مراتب بیشتر از گذشته شده است. در اینجا باید به یک پرسش اساسی پاسخ داد و آن اینکه، راز دشمنی‌ها با ایرانیان چیست؟

در پاسخ به این پرسش باید گفت، راز دشمنی‌ها از یک‌سو به گذشته تمدنی ایرانی‌ها و از سوی دیگر به خلق و خوی استکباری قدرت‌های غربی برمی‌گردد. به دلایل تاریخی و از جمله استعداد و قابلیت‌های پیشرفت و تمدن‌سازی ایرانی‌ها، در دوستان سال گذشته کشور ایران همواره در معرض تهاجم قدرت‌های بزرگ و سلطه‌گر غربی بوده است.

مردم ما و به ویژه جوانان ایران زمین، باید به این نکته راهبردی توجه داشته باشند که دشمنی غربی‌ها و در رأس آنان انگلیسی‌ها و آمریکایی‌ها با جمهوری اسلامی صرفاً نظام دینی نیست. آنان دشمن یک ایران قوی، مستقل و با مردمانی عزتمند و همواره در حال پیشرفت هستند. بر همین اساس، قدرت‌های بزرگ و سلطه‌گر از زمان قاجار به بعد، چهار سیاست و راهبرد کوچک‌سازی ایران، تضعیف ایران، جلوگیری از پیشرفت و در نهایت نابودی هویت ملی و اسلامی ایرانیان را دنبال کرده‌اند. تلاش رضاخان دست‌نشانده انگلیسی‌ها برای ایجاد تغییر در هویت فرهنگی ایرانی‌ها را، باید در واقع پیاده‌سازی راهبرد غرب با هدف نابودی هویت یک ملت با قدمت تاریخی و برخوردار از پیشینه تمدنی دانست. وقتی رضاخان با صراحت می‌گوید، ایرانی‌ها سیرتا و صورتاً باید غربی شوند، این نگاه هدفی جز نابودی هویت ملت بزرگ ایران را با خواست غربی‌ها دنبال نمی‌کند. بسیار روشن است که غرب با کمک رژیم فاسد، دیکتاتور و کاملاً وابسته پهلوی، ایران را در مسیر یک انحطاط هویتی و سرزمینی قرار داده بود. کار بزرگ حضرت امام خمینی (ره) با انقلاب اسلامی، نجات کشور ایران و ایرانیان از این مسیر نابودی و انحطاط بود. انقلاب اسلامی نه تنها به این دوران انحطاط و تحقیر پایان داد، بلکه ایران را با حاکمیت ملی مبتنی بر مردم‌سالاری دینی با محوریت ولایت فقیه، در مسیر پیشرفت و تمدن‌سازی قرار داد. غرب اکنون نگران این است که ملت ایران با تبدیل شدن به یک الگوی موفق در مسیر پیشرفت با وجود تحریم‌ها، توطئه‌ها و تهدیدهای گوناگون در یک جنگ تمام عیار ترکیبی، بتواند به کمک مقاومت و ظرفیت‌های بی‌نظیر جهان اسلام، به دوران سلطه غربی‌ها پایان دهد. در چنین شرایطی، مردم ایران باید با شناخت درست تهدیدها و خنثی‌سازی آن، نقشه دشمنان را خنثی کنند. رهبر حکیم انقلاب اسلامی همواره ملت ایران را نسبت به توطئه‌های دشمنان خارجی و دنباله‌های داخلی آنان آگاه کرده، راه مقابله با دشمنی‌ها را هم تبیین و تشریح کرده‌اند. در همین راستا، معظم‌له در دیدار با مردم آذربایجان، با اشاره و تأکید بر استمرار دشمنی‌های آمریکا و متحدانش علیه ملت ایران در وضعیت فعلی، توان دفاعی کشور را در مقابل تهدیدهای سخت، عالی خواندند و گفتند: «دوستان و دشمنان ما هم، این واقعیت را می‌دانند و ملت هم از این لحاظ احساس امنیت می‌کند».

رهبر معظم انقلاب اسلامی با تشریح دشمنی‌ها، تهدید امروز را تهدید نرم‌افزاری دانسته، همگان را به مقابله با این تهدید فراخواندند. تهدید نرم دشمن، یک تهدید شناختی با هدف دست کاری در اعتقادات، باورها و ارزش‌های ملت ایران است. در چنین وضعیتی، باید در مقابل جنگ ترکیبی دشمن، به جهاد ترکیبی همت گماشت و در این مهم، بر جهاد تبیین تمرکز راهبردی داشت.



این قصه سر دراز دارد

علی مهدیان

تشییع آیت الله بروجردی همه چیز را لو داد، صدها هزار نفر زیر تابوت او بودند، عراق و پاکستان هم حتی عزادار شدند، جاده تهران قم راه‌بندان شد. شهرها و روستاها هم حتی مردم به خیابان آمدند. این یعنی یک زنگ خطر مهم برای آمریکا. محمدرضا تلگراف تسلیت به آیت الله حکیم در عراق زد، خیال کرد مرجعیت را اینگونه به نجف منتقل می‌کند. او که نتوانست اما جمعیت زیر تابوت را باید چه می‌کرد؟ بوی قیام می‌آمد.

شیعه تشییع‌هایش همیشه در غربت بوده، از تشییع فاطمه سلام الله علیها و امیرالمومنین (ع) بگير تا بقیه امامان. بعد هم علماء، تشییع آیت الله بروجردی اما متفاوت بود. بعد انقلاب هم دیگر تشییع‌های پرجمعیت عادی شد. هر کدام هم کاری می‌کرد با جان مردم، تشییع طالقانی که بازی لیبرال‌ها و چپ‌ها را به هم زد، تشییع بهشتی که قصه نفاق خط بی ربط به ففاهت را از انقلاب جمع کرد. تشییع پشت تشییع بیا تا تشییع امام. تشییع امام را دوباره به یادآورید. بی سابقه بود. انتهای دهه شصت خیلی‌ها میگفتند مردم کم آورده‌اند، ادامه نمی‌دهند، خسته شده‌اند. اما بازی استکبار به هم خورد و معنایش این بود که ایران حالا حالا پای کار است. این پیام معجزه‌گون مردم برای آمریکا خطرناک بود.

داستان تشییع حاج قاسم را هم در همین چارچوب ببینید. تا قبل از او البته تشییع زیاد انجام شد، شهدای گمنام تفحص شده، شهدای غواص، حججی‌ها و غیره و غیره اما تشییع او در انتهای دهه نود خیلی پر معنا بود. جمعیت قابل مقایسه با هیچ محاسبه‌ای نبود. به گفته سخنگوی سپاه ۲۵ میلیون نفر جمعیت در تشییع او در چند شهر آمده بودند. این جمعیت در انتهای دولت ناکارآمد و فشارهای اقتصادی عجیب و غریب و فشار رسانه‌ای بی‌امان، معنایش خراب شدن همه بازی‌های دشمن بود. و اینکه این چشمه میجوشد و نمی‌خشکد.

تشییع نشان دهنده حجم جمعیت کیفی و همراه با تشییع شونده است. تشییع را باید درست معنا یابی کرد. تشییع یک سردار برون مرزی سپاه، دل‌بسته به نظام جمهوری اسلامی معنادار بود. اراده یک جامعه را همین حجم جمعیت‌ها و همان کیفیت همراهی‌ها می‌سازد. شوخی نیست از سال چهل تا امروز این چشمه میجوشد و توسعه میابد و مقابل همه فشارها باقی میماند.

حالا لبنان. لبنان چهل تکه، لبنان با حاکمان آمریکا گرا، لبنان با مردمی که معروف بودند به عیاشی، لبنان با ضربات هولناک اسرائیل به جرم دفاع از فلسطین، کم نیست یک میلیون و نیم جمعیت یعنی بیست و پنج درصد کل لبنان، یعنی از هر چهار نفر یک نفر زیر تابوت بوده. آنهم زیر مانور و تهدید جنگنده‌ها. این یعنی شمال اسرائیل حالا حالاها امن نخواهد شد. همانطور که داخل و چپ و راست و جنوبش نیز امن نخواهد شد. جوشش مردم یعنی حالا حالاها این قصه سر دراز دارد. جمعیتی که سال ۴۰ از ایران جوشید امروز گستره اش کل منطقه را گرفته. منطقه‌ای که گرانیگاه کل جهان بین الملل است از قدرت و ثروت و دین و معنویت. شعار پای تابوت سیدحسن را جدی بگیرید: انا علی العهد.....



۳. معنویت در این روایت، یک رویداد به ناچار موقت یا یک برق زودگذر در بیابان تاریک نبوده و نیست، که حسرت نداشتن آن را داشته باشیم که «یاد باد آن روزگاران یاد باد»! مقاومت روح حاضر و پایدار در جامعه ایران است. چه می‌شود که این زیبایی دلبرانه در زندگی روزمره به محاق می‌رود و پنهان می‌شود؟ چگونه است که شرافت و صداقت سیاسی، امری موهوم و بلکه بی‌اهمیت قلمداد می‌شود؟! «زیبایی» را تماشا می‌دیدنی است، بیش از آنکه موضوع تحلیل و اثبات باشد. حاضر شدن در معرض تجارب معنوی و مشارکت در خلق آن‌ها، گمشده امروز بسیاری از جامعه‌شناسان و تحلیل‌گران است؛ مشاهده و مشارکت است که ما را از حجاب معاصر خارج می‌کند. معاصر، قدرت پوشاندگی عجیبی دارد؛ چنانکه پرده بر زیبایی‌های دوران ما کشیده و زندگی معمولی را بهتر و شدنی‌تر از زندگی معنوی بازنمایی می‌کند!

در این دوران سخت، نیازمند حظ بردن از اصیل‌ترین حقایق زندگی هستیم، و این در زمان ما بیش از آنکه در سرگرمی‌های مدرن یا آئین‌های مذهبی سنتی پیدا شود، در مرز جدی‌ترین، زنده‌ترین، پویاترین و واقعی‌ترین نقطه جهان یافت می‌شود و آن نقطه، مقاومت و مبارزه صادقانه است. چیزی که در بسیاری از زمان‌ها نسیه و آرزو بوده و در دوران ما نقد و آشکار. این کوشش نه در پی عاقبت‌طلبی که با هزینه و سختی فراوان حاصل شده است که آن را شایسته حرمت‌گذاری کرده است. این مبارزه معنوی، مردان بی‌اعلایی داشته است که در دوران ما خلأ معنا و زوال زیبایی را جبران کرده‌اند. آن‌ها نماد و نمود این زیبایی بوده‌اند و همچون «امام» جامعه‌ای را به شوق و شور انداخته‌اند؛ و اکنون سوال مهم و پیشروی ما این است که آینده این راه، بدون حضور مردانی چون حاج قاسم، شهید نصرالله، شهید رئیسی و امثالهم، چگونه خواهد بود؟ چگونه بدون رهبران بزرگ و خطابه‌های الهام بخش، شوق میدان برانگیخته‌می‌شود؟

میانجیگری روسیه میان ایران و آمریکا

نوذر شفیعی



برنامه «بدون خط‌خوردگی» رادیو گفت‌وگو در تماس تلفنی با نوذر شفیعی، کارشناس مسائل بین‌الملل، به بررسی ابعاد و اهداف سفر لاوروف به تهران پرداخت. نوذر شفیعی با بیان اینکه ایران و روسیه به‌عنوان دو کشور با روابط نزدیک و دیرینه، همواره موضوعات متعددی برای رایزنی و هماهنگی دارند، گفت: سفر لاوروف می‌تواند به دلایل مختلفی حائز اهمیت باشد.

وی در تشریح این دلایل، به مذاکرات اخیر روسیه و آمریکا در ریاض اشاره و بیان کرد: یکی از محورهای احتمالی این سفر، بررسی نتایج این مذاکرات و به‌ویژه، روشن‌شدن این موضوع است که آیا مسئله ایران در گفتگوهای ریاض مطرح شده است یا خیر و در صورت طرح، به چه شکلی مورد بحث قرار گرفته است. این کارشناس مسائل بین‌الملل، تحولات اخیر سوریه را به‌عنوان دومین محور احتمالی سفر لاوروف برشمرد و تصریح کرد: باتوجه‌به همکاری‌های جدی ایران و روسیه در سوریه، اکنون و در پی رخدادهای اخیر در این کشور، تعیین تکلیف روابط دوجانبه و چندجانبه تهران، مسکو و دمشق و همچنین چگونگی ادامه همکاری‌های ایران و روسیه در سوریه، از جمله موضوعاتی است که می‌تواند در این سفر مورد بررسی قرار گیرد. وی افزود: علاوه بر این، موضوع روابط روسیه و آمریکا، مسئله اوکراین و تأثیر احتمالی آن بر ایران نیز می‌تواند یکی دیگر از محورهای گفتگوی لاوروف در تهران باشد. شفیعی در مصاحبه تلفنی با رادیو گفت‌وگو به تحولات غزه اشاره کرد و گفت: باتوجه‌به برقراری آتش‌بس و تبادل اسرا در غزه و اظهارات مقامات آمریکایی مبنی بر لزوم تغییر شیوه اداره این منطقه، رایزنی درباره این موضوع نیز دور از ذهن نیست؛ چرا که ایران به‌عنوان یک بازیگر مؤثر در تحولات غزه و روسیه به‌عنوان یک قدرت بزرگ جهانی، هر دو در این زمینه دارای دیدگاه‌ها و نظرانی هستند. این کارشناس مسائل بین‌الملل در مصاحبه تلفنی با رادیو گفت‌وگو گفت: تهران و مسکو به دلیل روابط راهبردی خود، درباره مسائل مهم منطقه‌ای و بین‌المللی با یکدیگر رایزنی می‌کنند تا به دیدگاهی مشترک برسند.

تحقق ادراک و احساس در هوش عمومی مصنوعی از منظر حکمت متعالیه

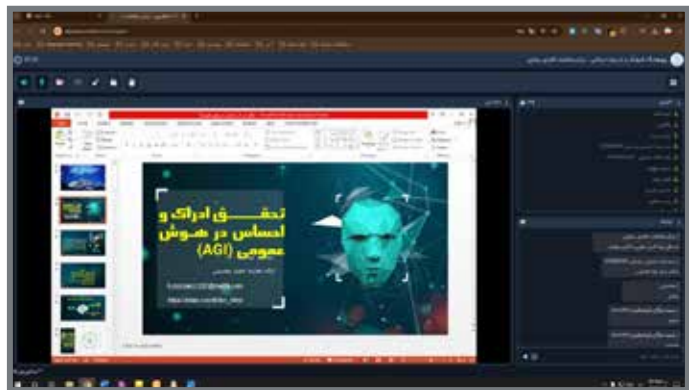
درد و داغ جبهه انقلاب

مهدی جمشیدی

ایکم]. این همه تاختن جریان‌های سیاسی راست و چپ به انقلابی‌ها، و به بدترین وجه، آنان را خواندن و به چوب تحقیر و ملامت راندن، صواب و صلاح نیست. رئیس مجلس - که از قضا، در جایی نشست که کمترین نسبتی با آن ندارد - آغازگر این خط غلط بود؛ وی بود که بارها، انقلابی‌های اصیل را سوپرانقلابی خواند و آنها را از خود راند. صدالبته، پاسخش را هم در انتخابات گرفت و طعم تلخ میوه مشاوران لیبرال را چشید. او که سعی کرد از طریق نشستن در میانه دو صندلی، قدرت را از آن خود کند، از هر دو سو، رانده شد. او اکنون نه در میان انقلابی‌ها، منزلتی دارد و نه در میان اصلاح‌طلبان. این است عاقبت وسط‌گرینی و محافظه‌کاری. دیگران نیز که تعبیر انقلابی‌ها را درباره منتقدان سیاست‌های جاری به کار برده‌اند، خواسته یا ناخواسته، اصطلاح انقلابی را وارد بازی سیاسی خویش کرده‌اند و آن را به سوءفهم و کج‌روایت، آغشته ساخته‌اند. اینان از انقلابی‌ها، شعبان‌بی‌مخ‌هایی ساخته‌اند که نمی‌فهمند و نمی‌دانند و جز به زبان چماق و اهانت سخن نمی‌گویند. این منطق رسانه‌ای، خیانت به اصالت‌های انقلابی است. و اسباب تأسف این که رسانه‌های متعدّد را نیز در اختیار دارند و موج می‌آفرینند. در عین حال، کسی چون من که - خوشبختانه - از سوی همه رسانه‌های اصول‌گرا، بایکوت هستم، اگر ماهی یکی دو بار در رسانه ملی ظاهر بشوم، متهم و مؤاخذه خواهم شد؛ در حالی که رسانه ملی، از یک چهره بالفعل استفاده کرده و روشن است که قصد چهره‌سازی ندارد و می‌خواهد اندوخته طبیعی خودجوش جبهه انقلاب را مصرف کند.

آدم]. جریان انقلابی، وقتی مشاهده می‌کند که هم اقتصاد و هم فرهنگ، قربانی معادلات سیاسی شده‌اند و حاکمیت در وضع قفل‌شدگی و انقباض و فروبستگی گرفتار آمده، چاره‌ای جز نقادی صریح ندارد. رؤسای سه قوه، کمترین بهره‌ای از ملکه عصمت ندارند که بتوان به نقد آنها پرداخت. هاله قداست به دور آنها پیچیدن و زبان به ستایش ضعف‌های آنها گشودن، خدمت به مردم نیست و مردم از این رویکرد، خشنود نیستند. اکنون به‌جز روزنه‌ای از نقادی، امکان و مجالی برای جریان انقلابی نمانده و همین را نیز به اسم تدری و افراطی‌گری و سوپرانقلابی و انقلابی‌نمایی و خوار و تحجر و رادیکال، می‌کوبند و ملامت می‌کنند. خطر اصلی این نیست که جماعت بسیار اندک و بی‌بدنه، خاطرات انصار حزب‌الله را در دهه هفتاد، زنده می‌کنند و تصوّر قشری و ساده‌انگارانه از مسائل دارند. این عده، نه سرآمدان و نخبگان جبهه انقلاب هستند و نه برآیند و برآمد آن. من هویتی و انسانی جبهه انقلاب، اینان نیستند و مخالفان نمی‌توانند با ملامت و تحقیر اینان، جبهه انقلاب را بی‌اعتبار سازند. جبهه اصیل انقلاب، انسان‌های فرهیخته و فاضلی دارد که اهل فکر و علم و نظر و عقلانیت و گفتگو و نوشتن و مباحثه و مناظره هستند و بدون شک، اکنون قوی‌ترین و جدی‌ترین و پرمایه‌ترین نیروی معرفتی به شمار می‌آیند. ما در مواجهات صریح فکری و نظری نشان دادیم که استدلال‌هایمان، مستحکم و نشکن و مقاوم است و دیگری‌ها و رقیبان، هیچ‌یک از عهده نقض و رد آنها بر نمی‌آیند. این همه برجستگی و عظمت را ندیدن و جبهه انقلاب را به فلان شخصیت کوتاه‌فکر و فلان تجمع ناچیز و ... تقلیل‌دادن، خطای بزرگ تحلیلی است. هم بدنه اجتماعی گفتمان انقلابی، گستردگی کمی و عمق کیفی دارد و هم چهره‌ها و متفکران آن، توانمندترین‌ها هستند.

آسوم]. ما خود را به فلان مجلس و فلان دولت گره زده‌ایم که با آمدن و رفتن‌شان، هویت ما در هم بریزد. گرانبگاه جبهه اصیل انقلاب، معرفت و اندیشه است و به سبب این نیز از این دریچه می‌نگرد. قضاوت درباره کارگزاران نیز فقط و فقط بر اساس نظریه نظام انقلابی است. انتقادات و اعتراض‌های اخیر جبهه انقلاب به کارگزاران، بدان سبب است که گفته‌ها و رفتارشان، حاکی از میل به گذار از انقلاب به نظام است. ما متعهد به نظریه نظام انقلابی هستیم و نه فقط نظام. نظام منهای انقلاب، همان سکولاریسم پنهان است و بقای صورت بدون سیرت، و زوال ساخت حقوقی با وجود تداوم ساخت حقیقی. این نقطه، نقطه تفاوت ما با محافظه‌کاران است. مسأله جریان انقلابی، دفاع قاطع از استمرار روح و هویت انقلابی در حاکمیت است و همه نقدها و اعتراض‌هایش نیز به همین بازمی‌گردد. ما محتاج بازسازی انقلابی هستیم، و نه انقلاب‌زدایی و عرضه روایت لیبرال از انقلاب و تاختن همیشگی به نیروهای انقلابی. آن که سد راه نظریه نظام انقلابی است، تکنوکرات‌های شبه‌انقلابی و لیبرال‌ها هستند، نه انقلابی‌هایی که می‌خواهند مفاهیم و معارف امام خمینی، اسیر مهوریت نشوند.



اما آیا در هوش مصنوعی اجزاء آن با هم ترکیب حقیقی می‌شوند یا یک سری پیوندها و ارتباطات با همدیگر شکل می‌گیرد؟ به نظر می‌رسد در هوش مصنوعی هرچند کارکردهای بسیار پیچیده و شناختی بروز و ظهور می‌کنند. حتی در آینده نیز ممکن است رفتارهای احساسی نیز از خود نشان دهند. این موارد تنها به جنبه کارکردی و رفتاری سیستم هوشمند بر می‌گردد و نشانگر ذهنی غیرفیزیکی و یا داشتن نفس و روح مجرد نمی‌باشد. چون به لحاظ هستی‌شناسی، بستر شکل‌گیری و تکامل هوش مصنوعی در بستر جسم مصنوعی است. جسم مصنوعی هرگز ترکیب حقیقی نداشته تا جهت پذیرش نفس آمادگی داشته باشد. از سوی دیگر ادراک و احساس داشتن از منظر حکمت متعالیه به هویت اصلی انسان یعنی نفس تعلق دارد. همچنین به دلیل وجود مباحث مهم بنیادین در حوزه فناوری هوش مصنوعی، در ایران اسلامی همگام با پیشرفت‌های مهندسی، می‌بایست مباحث فلسفی و تحلیلی در این حوزه نیز جدی گرفته شود.

دکتر محمدحسین وفائیان، عضو هیأت علمی دانشگاه امیرکبیر، ناقد نشست گفت: آشفته‌گی شدید در مفاهیم ارائه بحث وجود داشته، اعم از ادراک، احساس، ادراک در فلسفه یا ادراک در روانشناسی شناختی. احساس یا feeling یا emotion. نفس یا ذهن یا روح. هر کدام از اینها مفاهیم متفاوتی اند. دکارت می‌گوید res یعنی چیز اندیشنده. نوس در افلاطون با روح در مسیحیت متفاوت است. هر کدام دلالت‌هایی دارد. ذهن در اندیشه هابز و لایبنیتس به محاسبه تبدیل شده و امکان هوش مصنوعی در قرن بیستم را ممکن کرده است. یکسان‌نگاری اینها درست نیست. چرخش نفس به ذهن چرخش مهمی است. هر کدام از تطورها تا به هوش مصنوعی برسد.

آشفته‌گی دیگر بین رفتار و شناخت در هوش مصنوعی است. رفتارهای هوش مصنوعی را با شناخت آن یکسان نگیریم. با پریشانی مفهومی اساساً نمی‌توان وارد بحث شد. نقد دیگر این است که جسم طبیعی مطرح شد. جسم طبیعی نفس دارد. اما ماشین آیا اساساً نفس دارد یا نه. اول الکلام است. از مجموعه بحث، فهمی از ماهیت هوش مصنوعی به دستم نرسید. منتظر بودم که آقای محسنی بپرسد انسان عملاً چه کاری می‌تواند انجام دهد که ماشین نمی‌تواند. آزمون تورینگ آزمون رفتاری است. بسیاری تصریح می‌کنند که هوشمندی در سطح تعریف تورینگ، از پارادایم رفتارگرایی خارج شده است. محسنی در پایان به پرسش شرکت‌کنندگان پاسخ داده و توضیح بیشتر مدعی خود را به فرصت واسع‌تری موکول کردند.

درک، یادگیری به‌طور صریح نشان‌های از تحقق ادراک و جنبه شناختی در سیستم‌های هوشمند است. حتی برخی محققان ادعای داشتن حالات ذهنی و فهم احساسات توسط هوش عمومی مصنوعی را مطرح می‌کنند.

این مدرس حوزه و دانشگاه در مقام تحلیل مسئله از منظر مبانی علم‌النفس حکمت متعالیه، و در پاسخ به این سوال که آیا بنا بر مبانی علم‌النفس اسلامی هوش عمومی مصنوعی می‌تواند ادراک و احساس داشته باشد، افزود: ادراک و احساس داشتن، مستلزم داشتن ذهن مجرد و یا نفس هست. از این رو بنا بر مبانی علم‌النفس اسلامی هوش مصنوعی عمومی زمانی می‌تواند درک و احساسات داشته باشد که ذهن و یا نفس داشته باشد. به‌طور مختصر با تأمل در تعریف و حقیقت نفس در اندیشه حکمای اسلامی مشخص می‌شود. ابن‌سینا نفس را این‌گونه تعریف کرده: «نفس کمال اول برای جسم طبیعی است.»

بنابراین تعریف نفس یک حقیقت و کمال وجودی است که به جسم طبیعی تعلق پیدا می‌کند. علامه حسن‌زاده تصریح می‌کند: با قید «جسم طبیعی» جسم مصنوعی از تعلق نفس بدان خارج می‌شود. به تحلیل دیگر، در اندیشه صدرالمثالیین بین ترکیب جسم مصنوعی و طبیعی و آثار و احکام مترتب به آن تفاوت‌های بسیار عمیقی وجود دارد. در ترکیب صنایع اجزاء به یکدیگر ضمیمه می‌شوند و با کنار هم قرارگفتن آنها شیء دارای یک حقیقت واحد نمی‌گردد. اما در ترکیب «طبیعی بالذات» شیء به تمام ذات تبدیل به شیء دیگری می‌شود همچون جنین که به انسان تبدیل می‌شود.

افزون بر این در اندیشه صدرایی و به تصریحات متعدد وی در عبارات‌های مختلف ترکیب ماده و صورت، ترکیب اتحادی هستند. همچنین صدرا ترکیب بدن با نفس را از قبیل ترکیب ماده و صورت و ترکیب اتحادی می‌داند. از منظر صدرالدین شیرازی مشکل اساسی ترکیب انضمامی این است که اجزای مرکب در حال ترکیب وحدت حقیقی پیدا نمی‌کنند. از سوی دیگر، به دلیل مساوقت وجود با وحدت، هر آنچه وحدت نداشته وجود حقیقی نیز نخواهد داشت. در نتیجه در ترکیب انضمامی ممکن نیست، مرکب و کل موجود واحد حقیقی باشد بلکه در حین ترکیب فقط اجزا در کنار هم موجودند. همانطور که استاد عبودیت تصریح می‌کند: از این رو در ترکیب انضمامی اجزای مرکب هویتی متغایر و متکثرند و تا هنگامی که اجزای هویتی متغایر و متکثر باشند کل و مرکب وحدت حقیقی ندارد و تا شیء وحدت حقیقی نداشته باشد ممکن نیست حقیقتاً موجود باشد. آیت‌الله مصباح یزدی نیز بیان می‌کند: ترکیب صنایع دارای وحدت حقیقی نیست و اگر به آن وحدت نسبت داده شود وحدت آن اعتباری است.

محسنی در مقام جمع‌بندی ارائه خود در نشست گفت: از منظر اندیشمندان همچون ابن‌سینا و صدرالمثالیین و پیروان حکمت متعالیه هر جسمی قابلیت پذیرش نفس ندارند. اجسام و عناصری امکان نفس‌مندی را دارند که این عناصر باهم ترکیب حقیقی شوند. همچنین ویژگی متضادی که در عناصر وجود دارد به اعتدال برسد و یک مزاج خاصی شکل بگیرد تا اینکه این عناصر آمادگی پذیرش حیات را داشته باشند.

نشست علمی با موضوع «تحقق ادراک و احساس در هوش عمومی مصنوعی از منظر حکمت متعالیه» توسط مرکز مطالعات فضای مجازی و هوش مصنوعی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی با ارائه آقای حجت الاسلام دکتر حمید محسنی و نقد دکتر محمد حسین وفائیان با دبیری دکتر محمد محمدی‌نیا بصورت حضوری و مجازی برگزار شد.

حمید محسنی، پژوهشگر حوزه علوم شناختی و هوش مصنوعی در ابتدای پیش‌نشست همایش ملی تنظیم‌گری فضای مجازی، به عنوان مقدمه، دو رویکرد بین‌مهندسان و فلاسفه نسبت به مقوله هوش مصنوعی را به طور کلی تمایز داده و توضیح داد: در رویکرد اول، سیستم‌های هوش مصنوعی جنبه‌های فنی مهندسی و ابزارگونه آن بیشتر مورد توجه است، و در کشور ما نیز بیشتر این رویکرد مطرح است؛ و در رویکرد دوم، رویکرد فلسفی - تحلیلی به مسئله هوش مصنوعی است. در رویکرد تحلیلی با اعتراف به منافع و مزایای، خطرات مهمی نیز از این ناحیه متوجه انسان‌هاست. افزون بر این، فناوری هوش مصنوعی مبانی و مسایل فلسفی، حکمرانی و فرهنگی و تمدنی را در بر دارد. هرچند در جنبه ابزاری هوش مصنوعی می‌بایست پیشرفت کرد، ولی توجه به مبانی فلسفی آن نیز می‌بایست مورد تحقیق و پژوهش قرار گیرد. همانطور که در سطح دنیا این نوع تحقیقات به‌طور جدی دنبال می‌شود.

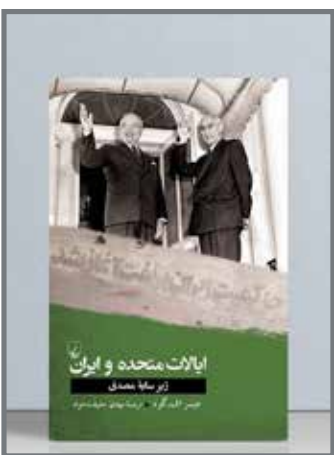
محسنی بحث خود را ذیل رویکرد دوم و مباحث فلسفی و هستی‌شناسی هوش مصنوعی دانسته و افزود: آن هم مسئله امکان تحقق ادراک و احساس در هوش عمومی مصنوعی است. هوش مصنوعی انواع و اصطلاحات مختلفی دارد: Narrow AI هوش مصنوعی محدود؛ Artificial General Intelligence (AGI) هوش عمومی مصنوعی؛ Advanced AI هوش مصنوعی پیشرفته؛ Superintelligence ابرهوش؛ Weak AI هوش مصنوعی ضعیف؛ Strong AI هوش مصنوعی قوی.

این پژوهشگر فلسفه علوم شناختی در توضیح چپستی هوش عمومی مصنوعی گفت: تعاریف مختلفی برای هوش عمومی مصنوعی بیان شده است:

۱. هوش عمومی مصنوعی هدف‌گرا: یک تعریف هدف‌گرا از هوش عمومی ارائه شده؛ هوش توانایی یک عامل برای دستیابی به اهداف در دامنه‌ای وسیع از محیط را اندازه‌گیری می‌کند.
۲. هوش عمومی مصنوعی انسان‌گونه: یک تعریف دیگر این است که سیستمی که بتواند هر کاری که انسان می‌کند، انجام دهد.
۳. مدل‌های زبان بزرگ: برخی محققان با آزمایش و بررسی مدل‌های زبان بزرگ و به‌طور خاص مدل‌های زبانی نظیر GPT-4 را نوعی هوش عمومی مصنوعی می‌دانند. از این رو از منظر آنها مسیر رسیدن به «هوش عمومی مصنوعی کامل» رفع برخی کمبودها و بهبود مدل‌های زبانی بزرگ است. این محققان با بررسی و مشاهده توانایی شگفت‌انگیز و عمکردهای بهبودیافته از مدل‌های قبلی نتیجه می‌گیرند: GPT-4 یک گام مهم به سمت AGI است.

این نوع مدل‌های زبان بزرگ قابلیت‌های قابل توجهی در حوزه‌ها و وظایف مختلف را دارند: نظیر انتزاع مفاهیم، ایده‌ها و الگوها، درک، استدلال، تولید محتوا متنی و غیر متنی، ترسیم چشم انداز، کد نویسی، ریاضیات، پزشکی، حقوق، درک انگیزه‌ها و احساسات انسانی و ... هرچند این نوع مدل‌ها هنوز به‌طور کامل به توانایی‌های انسانی نرسیده است. برخی مولفه‌های مانند

معرفی کتاب «ایالات متحده و ایران» تألیف جیمز اف. گود



گهگاهی بود و تنها در ذهن آمریکاییان این انگاره کلیشه‌ای را تقویت می‌کرد که اهالی خاورمیانه نامتمدن و حتی وحشی‌اند و برای اداره امور خود شایستگی چندانی ندارند. چنین انگاره‌هایی طی چندین سده برخورد میان مسیحیان و مسلمانان در مرزهای اروپا شکل گرفت و میراثی از بی‌اعتمادی برجای گذاشت. توسعه‌طلبی اروپاییان در این منطقه در قرن نوزدهم به این دشمنی‌ها دامن زد...

جیمز اف. گود استاد بازنشسته تاریخ در دانشگاه ایالتی گراند ولی و مدیر سابق برنامه مطالعات خاورمیانه این دانشگاه است. او نویسنده ایالات متحده و ایران، ۱۹۴۶-۵۱: دیپلماسی غفلت، ایالات متحده و ایران: در سایه مصدق و مذاکره برای گذشته: باستان‌شناسی، ملی‌گرایی، و دیپلماسی در خاورمیانه، ۱۹۱۹-۱۹۴۱ است.

اسلامی را برپا ساختند بی‌آزار به‌نظر می‌آید. اما اهمیتی که او برای چند دهه در تفکر رسمی پیدا کرد اغلب از سوی ناظران سطحی‌نگر روابط ایالات متحده و ایران نادیده گرفته می‌شد. در سراسر این کتاب دیدگاه‌های غربی درباره ایران و ایرانیان (و به طور ضمنی درباره سایر ملل غیرغربی)، که رفتار در مناسبات بین‌المللی را تحت تأثیر قرار داد و هنوز هم تحت تأثیر قرار می‌دهد، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در بخشی از کتاب می‌خوانیم: «تا پیش از جنگ جهانی دوم، ایران و سراسر خاورمیانه کمتر توجه ایالات متحده را به خود جلب می‌کرد. بی‌شک موارد شایان توجهی چون ماجرای پدیکاریس در مراکش در دروره اول ریاست جمهوری تئودور روزولت یا طرح ایجاد قیمومیت بر ارمنستان در سال ۱۹۱۹ وجود داشت. اما چنین رویدادهایی

کتاب «ایالات متحده و ایران» با عنوان فرعی زیر سایه مصدق تألیف جیمز اف. گود و ترجمه مهدی حقیقت‌خواه از سوی نشر ققنوس به بازار کتاب آمد.

این پژوهش تحلیلی از روابط ایالات متحده و ایران در قرن بیستم، با توجه ویژه به بحران ملی شدن تأسیسات نفتی بریتانیا در نیمه قرن، ارائه می‌کند. از این رو، کرانامه محمد مصدق را در کانون توجه خود قرار می‌دهد، که طی این سال‌ها برای رهایی کشورش از نفوذ بیگانه مبارزه کرد و خاطره‌اش تا انقلاب ایران همچنان بر مناسبات واشنگتن و تهران سایه افکند. سایه محمد مصدق سرانجام رنگ باخته است.

امروزه نخست‌وزیر پیشین و ملی‌گرای ایران در مقایسه با آن دسته از هموطنانش که جمهوری



طمع اسرائیل برای اشغالگری سوریه

رضامیرابیان

برنامه «بدون خط خوردگی» رادیو گفت‌وگو با موضوع خشم مردم سوریه از اظهارات نتانیاهو؛ واگوی ابعاد و پیامدها با دکتر رضا میرابیان، کارشناس مسائل سیاسی به روی آنتن رفت.

دکتر رضا میرابیان سکوت مقامات رسمی سوریه را معنادار خواند و گفت: تا کنون شاهد واکنش رسمی از سوی مقامات سوریه نبوده‌ایم.

وی با بیان اینکه این سکوت می‌تواند نشانه‌هایی از تحولات آتی داشته باشد، افزود: باید منتظر ماند و دید که آیا در روزهای آینده شاهد واکنشی از سوی دمشق خواهیم بود یا خیر.

این کارشناس مسائل سیاسی به ابعاد پنهان اظهارات نتانیاهو و تحولات اخیر سوریه پرداخت و خاطرنشان کرد: اکنون برای همگان روشن شده است که سناریوی سرنگونی دولت بشار اسد و روی کار آوردن گروه‌های تروریستی، باهدف زمینه‌سازی برای اشغالگری اسرائیل در سوریه طراحی شده بود.

وی افزود: هدف نهایی، اشغال بلندی‌های جولان و سپس حمایت از اقلیت دروز سوریه به‌عنوان بهانه‌ای برای تثبیت حضور اسرائیل در خاک این کشور است.

میرابیان در مصاحبه تلفنی با رادیو گفت‌وگو با اشاره به اینکه یهودیان صهیونیست، بخش اعظم خاک سوریه و حتی دمشق را جزو اراضی اشغالی خود می‌دانند، تأکید کرد: تحولات چند ماه اخیر سوریه، با هماهنگی کامل آمریکا و اسرائیل و باهدف تجزیه این کشور و الحاق تدریجی آن به سرزمین‌های اشغالی فلسطین صورت گرفته است.

وی از تحلیل خود، درباره پیامدهای عدم قاطعیت دولت سوریه هشدار داد و گفت: این سکوت و انفعال، تنها به افزایش طمع و اشتیاق اسرائیل برای اشغال اراضی بیشتر منجر خواهد شد.

این کارشناس مسائل خاورمیانه با بیان اینکه اقدامات تحریک‌آمیز رژیم صهیونیستی، کینه‌های فروخته مردم سوریه را شعله‌ور خواهد کرد، افزود: این تجاوزات، جرقه‌ای برای شکل‌گیری هسته‌های مقاومت خواهد بود و بی‌پاسخ نخواهد ماند.

وی با اشاره به نفرت تاریخی ملت‌های منطقه از رژیم صهیونیستی، تأکید کرد: مردم سوریه نیز از این قاعده مستثنی نیستند و پس از سال‌ها اشغالگری و جنایت، کینه عمیقی از اسرائیل در دل دارند.

میرابیان پیش‌بینی کرد: با ادامه این تجاوزات، شاهد شکل‌گیری و تقویت هسته‌های مقاومت در سوریه خواهیم بود و بدون شک، این گروه‌ها در آینده‌ای نزدیک، پاسخ قاطعی به اقدامات اسرائیل خواهند داد.

وی با اشاره به سابقه درمان مجروحین گروه‌های تروریستی مخالف دولت سوریه در بیمارستان‌های اسرائیلی، این اقدام را نشانه‌ای از عمق همکاری و هماهنگی میان این گروه‌ها و رژیم صهیونیستی دانست و گفت: این واقعیت‌ها را نباید فراموش کرد. مردم سوریه ساکت نخواهند نشست. آنها علاقه‌ای به اسرائیل ندارند و کینه‌های شدیدی نسبت به اسرائیل دارند.

حماس قوی‌تر از همیشه در میدان

اکبر معصومی

برنامه «گفتگوی سیاسی» رادیو گفت‌وگو با موضوع جنگ غزه حدنصاب جدید مبارزات مقاومت در منطقه و با حضور دکتر اکبر معصومی کارشناس ارشد مسائل بین‌الملل به روی آنتن رفت.

اکبر معصومی به شرایط پیش از عملیات طوفان الاقصی اشاره و عنوان کرد: رژیم صهیونیستی و متحدان غربی - عربی آن به این باور رسیده بودند که شرایط منطقه به گونه‌ای است که محور مقاومت را به سمت ضعف سوق می‌دهد و مسئله فلسطین نیز برای همیشه یا به فراموشی سپرده خواهد شد یا امیدی برای حل آن وجود نخواهد داشت.

وی افزود: با وقوع عملیات طوفان الاقصی، این معادله تغییر کرد. این عملیات در شرایطی رخ داد که طرحی مشابه آنچه امروز ترامپ از آن سخن می‌گوید، در زمان بایدن نیز با ادبیاتی متفاوت مطرح شده بود.

این کارشناس مسائل سیاسی با بیان اینکه اسرائیلی‌ها تصور می‌کردند با کمک آمریکایی‌ها می‌توانند مسئله فلسطین را به نفع خود حل‌وفصل کنند و سرزمین‌های اشغالی را به طور کامل از فلسطینی‌ها پاک‌سازی کنند، اظهار کرد: برنامه این بود که مردم غزه به مصر، اردن و حتی عراق کوچ اجباری داده شوند و موقعیت جدیدی در غزه ایجاد شود. اما عملیات طوفان الاقصی نه تنها قدرت محور مقاومت و حماس را به نمایش گذاشت، بلکه دکترین بن‌گورین رژیم صهیونیستی را نیز زیر سؤال برد.

وی با تصریح بر این موضوع که در شرایطی عملیات طوفان الاقصی اتفاق افتاد که رژیم صهیونیستی در حوزه‌های امنیتی، اطلاعاتی، اقتصادی و بین‌المللی با شکست بزرگی مواجه شد، گفت: این رویداد چنان شرایط را تغییر داد که اندیشکده‌ها و نخبگان آمریکایی در حوزه روابط بین‌الملل اذعان کردند برای اولین بار، گروهی در جهان به کشوری دارای سلاح هسته‌ای حمله کرده و آن کشور ۱۵ ماه است که برای خروج از بحران تلاش می‌کند و تاکنون موفق نشده است.

معصومی در مصاحبه با رادیو گفت‌وگو با تأیید این مسئله که وضعیت موجود نشان می‌دهد که رژیم صهیونیستی، ایالات متحده و برخی از متحدان اروپایی آنها در شرایط شکست قرار دارند، بیان کرد: جنگ غزه معادلات جدیدی را در منطقه ایجاد کرده است و این موضوع بستر چالش‌های بسیاری را برای رژیم صهیونیستی در آینده فراهم می‌کند. وی در خصوص کمک‌های آمریکا از رژیم صهیونیستی تصریح کرد: هرچه ایالات متحده بیشتر به اسرائیل کمک کند، نه تنها با شکست مواجه خواهد شد، بلکه این حمایت‌ها برای خود ایالات متحده نیز هزینه‌های بیشتری خواهد داشت، زیرا افکار عمومی آمریکا در برابر رویکردهای رژیم صهیونیستی ایستاده‌اند.



این کارشناس مسائل سیاسی از اشاره به تلاش‌های بی‌ثمر رژیم صهیونیستی و متحدانش برای تضعیف حماس گفت: رژیم صهیونیستی با همکاری ایالات متحده و برخی کشورهای منطقه، سعی داشت با ایجاد گروه‌های دیگر و حمایت مالی از آن‌ها، چهره حماس را مخدوش کند و آن را از صحنه مقاومت خارج سازد.

وی افزود: اما مقاومت حماس در غزه و تحولات میدانی، معادلات جدیدی را در نبرد با رژیم صهیونیستی رقم زد.

معصومی با بیان اینکه این تحولات موجب تقویت رویکرد مثبت مردم فلسطین، غزه و کرانه باختری نسبت به حماس شده تست، اظهار کرد: مردم دریافته‌اند که حماس با پشتوانه محور مقاومت، توانایی آزادسازی سرزمین‌های اشغالی را دارد.

وی با اشاره به تبادل اسرا و نمایش قدرت حماس در جریان آتش‌بس، بیان کرد: حماس نه تنها در جریان جنگ غزه تضعیف نشد، بلکه در موقعیت قدرتمند و ایده‌آلی قرار گرفت و توانست نیروهای خود را بازسازی کند. بر اساس گزارش‌ها، حماس در مدت کوتاهی شمار زیادی از نیروها را جذب کرده است.

این کارشناس مسائل سیاسی با تأکید بر اینکه حماس معادلات آینده منطقه و فلسطین را تغییر خواهد داد، گفت: رژیم صهیونیستی که از نابودی حماس سخن می‌گفت، در میز مذاکره برای آتش‌بس، مجبور به تعامل با این جنبش شد.

وی حماس را یک قدرت و وزنه مهم در محور مقاومت دانست و افزود: حماس با ایجاد عقبه‌ای مردمی در فلسطین و منطقه، جایگاه ویژه‌ای برای خود کسب کرده است.

معصومی با اشاره به نگرانی‌ها از وضعیت غزه و آینده مردم این منطقه، اظهار کرد: طرح کوچ اجباری مردم غزه از روی استیصال است و نشان می‌دهد که حماس و رویکرد مقاومت همچنان زنده است. تجربه ۱۵ ماه جنگ، مردم غزه و حماس را آبدیده کرده و این همدلی می‌تواند معادلات جدیدی را رقم بزند و ضربات سنگینی را به رژیم صهیونیستی وارد کند.

حزب‌الله زنده و پویاست

مصطفی علیجان زاده

«حزب‌الله» لبنان به منزله مؤثرترین و قدرتمندترین گروه مقاومت اسلامی در منطقه غرب آسیا، پس از شهادت «سیدحسین نصرالله» و «سیدهاشم صفی‌الدین» همچنان با قدرت و صلابت در میدان مبارزه با رژیم صهیونی حضور دارد و تا آزادی کامل سرزمین‌های فلسطین به مبارزه خود ادامه خواهد داد.

رژیم صهیونی پس از شکست سنگین در عملیات «طوفان الاقصی» جنایات وحشتناکی را به مردم مظلوم غزه تحمیل کرد؛ اما نتوانست به هیچ یک از اهداف خود دست پیدا کند. بنابراین، ترور رهبران و فرماندهان مقاومت را در دستور کار خود قرار داد. ترور «سماعیل هنیه» و سپس «سیدحسین نصرالله» و «سیدهاشم صفی‌الدین» در همین راستا انجام شد؛ اما این ترورها نیز وضعیت میدانی در غزه و لبنان را به نفع رژیم صهیونیستی تغییر نداد و شاهد ادامه ناکامی دشمن صهیونی بودیم. برگزاری مراسم باشکوه تشییع فرماندهان مقاومت، نشان‌دهنده زنده و پویا بودن حزب‌الله لبنان و محور مقاومت در منطقه بود.

این مراسم صرفاً یک تشییع جنازه نبود؛ بلکه نمایش قدرت و اراده مردم لبنان و حامیان حزب‌الله در برابر دشمنان بود و انسجام داخلی لبنان را نمایان کرد. حضور میلیونی مردم در مراسم تشییع شهدای مقاومت، به معنای حمایت همه‌جانبه آنان از حزب‌الله لبنان و افزایش قدرت و مشروعیت حزب‌الله است. مراسم تشییع شهید «سیدحسین نصرالله» که با حضور گسترده و همبستگی مردم برگزار شد، پیامی واضح برای رژیم صهیونی و دیگر دشمنان منطقه‌ای حزب‌الله داشت که اثبات کرد، مقاومت لبنان حتی در صورت فقدان رهبر خود، همچنان توانایی سازماندهی و مدیریت نیرو و استمرار فعالیت‌های سیاسی و نظامی خود را دارد.

حزب‌الله نشان داد حتی با وجود شهادت رهبری بی‌ظنیر، مانند سیدحسین نصرالله، همچنان به عنوان یک قدرت و نیروی راهبردی در منطقه باقی خواهد ماند. مراسم تشییع رهبران شهید حزب‌الله لبنان، پیامی هم برای کشورها و گروه‌های عضو محور مقاومت داشت، که حزب‌الله لبنان در مسیر مقاومت و مبارزه با تهدیدهای خارجی همچنان قدرتمند ایستاده است.

برگزاری این مراسم باشکوه به دنیای عرب و جهانیان این پیام را مخابره کرد که حزب‌الله نماد حقیقی مقاومت در برابر سلطه‌گری‌های غربی و رژیم صهیونی و نیروی اصلی محور مقاومت در منطقه است. حضور استثنایی مردم لبنان از مذاهب، طوایف و گروه‌های گوناگون سیاسی در کنار دوستان حزب‌الله از اقصی نقاط جهان در این مراسم این پیام را منتقل کرد که برخلاف ادعای آمریکا، حزب‌الله یک سازمان تروریستی نیست، بلکه جریان مردمی و مشروع است که هدف اصلی آن ایستادگی و مقابله با دشمنان لبنان است.

مراسم تشییع دبیرکل شهید حزب‌الله، یک برنامه تشریفاتی و عادی نبود؛ بلکه این مراسم نمایشی از قدرت، انسجام و استمرار حزب‌الله در عرصه سیاسی، اجتماعی و نظامی بود که تهدیدها، کارشکنی‌ها و حتی تجاوز جنگنده‌های رژیم صهیونی نیز نتوانست در آن خللی ایجاد کند.

سید حسن نصرالله با همین عقلانیت توانست وفاق واقعی را در لبنان حاکم کند

علی پارسا خصال



برنامه «گفتگوی سیاسی» رادیو گفت‌وگو با موضوع شهید سید حسن نصرالله مردی ایستاده در غبارهای جهان اسلام و با حضور دکتر علی پارسا خصال کارشناس مسائل سیاسی به روی آنتن رفت.

علی پارسا خصال در تشریح ویژگی‌های شهید سید حسن نصرالله، ولایت‌پذیری را برجسته‌ترین ویژگی شخصیتی ایشان برشمرد و گفت: شهید نصرالله نه تنها در کلام که در عمل نیز بر تبعیت از ولی فقیه تأکید داشت و همواره از مقام معظم رهبری با عنوان امام یاد می‌کرد.

وی افزود: در فضای جهان عرب که همواره بر تمایز عرب و غیرعرب تأکید می‌شود، ولایت‌پذیری سیدحسین نصرالله از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. خاطره بوسیدن دست مقام معظم رهبری توسط ایشان در کنفرانس کشورهای اسلامی، نه یک حرکت نمادین، بلکه نمودی از رفتار و منش همیشگی ایشان در تبعیت از ولی فقیه بود.

این کارشناس مسائل سیاسی با بیان اینکه جملات تأثیرگذاری از سیدحسین نصرالله در زمینه ولایت‌پذیری نقل شده، اشاره کرد: ایشان همواره در صحبت‌هایشان مراقب بودند تا گله‌مندی‌های خود را به گونه‌ای مطرح نکنند که شائبه‌ای از انتقاد به مسئولان جمهوری اسلامی در آن وجود داشته باشد.

وی با تأکید بر اینکه سید حسن نصرالله همواره منافع جمهوری اسلامی را به‌عنوان حرم اصلی مقاومت در نظر می‌گرفت، خاطرنشان کرد: ایشان در گفتار، رفتار، فرماندهی و مشورت‌های خود، این منافع را لحاظ می‌کردند و این درس برای همه مسئولان است که منافع شخصی را بر منافع کشور ترجیح ندهند.

پارسا خصال در مصاحبه با رادیو گفت‌وگو عقلانیت را از دیگر ویژگی‌های برجسته سید حسن نصرالله دانست و گفت: ایشان در کنار مقاومت، بر عقلانیت در مدیریت بحران، مسائل سیاسی

و حکمرانی تأکید داشتند و این یکی از دلایل حذف فیزیکی ایشان توسط دشمنان بود. وی تزلزل در ساختار کشور لبنان را از اهداف صهیونیست‌ها برای حذف سید حسن نصرالله دانست و گفت: دشمنان مقاومت با آگاهی از نقش محوری سیدحسین نصرالله در اقتداربخشی به حزب‌الله و ایجاد ثبات داخلی در لبنان، در پی حذف ایشان بودند تا جایگاه سیاسی حزب‌الله را تضعیف کنند.

این کارشناس مسائل سیاسی با بیان اینکه سیدحسین نصرالله با هماهنگی کامل با فرماندهان خود همچون شهید عماد مغنیه، به آنها اختیار تام می‌داد، اشاره کرد: ایشان حتی در مواردی که ضرورتی برای دانستن اطلاعات نمی‌دیدند، از کسب آن خودداری می‌کردند و این نشان‌دهنده عقلانیت ایشان در مدیریت بود. وی با تأکید بر اینکه سیدحسین نصرالله با همین عقلانیت توانست وفاق واقعی را در لبنان حاکم کند، اظهار کرد: حضور بزرگان اهل سنت و مسیحیان در مراسم ایشان، نشان‌دهنده رویکرد وحدت‌بخش ایشان در طول سال‌های متمادی بود.

پارسا خصال بیان کرد: سیدحسین نصرالله همواره کلام ولی فقیه را بدون تفسیر و تأویل، عیناً اجرا می‌کردند و حتی اگر استشمام می‌کردند که نظر ولی فقیه چیست، بر اساس آن عمل می‌کردند.

انتقاد شدید نمایندگان مجلس از احتکار و سوءاستفاده

سید محمد سادات ابراهیمی - محمد ترکیان

برنامه «صبح و گفت‌وگو» رادیو گفت‌وگو در خصوص افزایش قیمت برنج با محمد ترکیان معاون توسعه بازرگانی سازمان جهاد کشاورزی استان تهران و دکتر سید محمد سادات ابراهیمی عضو کمیسیون کشاورزی مجلس شورای اسلامی به صورت تلفنی گفتگو کرد.

سید محمد سادات ابراهیمی، با اشاره به گزارش‌های دریافتی مبنی بر افزایش چشمگیر قیمت برنج ایرانی در آستانه ماه رمضان، گفت: این افزایش قیمت به شکل ناگهانی و غیرمنتظره‌ای رخ داده و موجب نگرانی شده است.

وی افزود: ما از وزیر جهاد کشاورزی و مسئولان اقتصادی وزارتخانه‌های ذی‌ربط خواستیم تا به سرعت در جلسات کمیسیون تخصصی مجلس حضور یافته و در خصوص این وضعیت، توضیحات لازم را ارائه دهند.

عضو کمیسیون کشاورزی مجلس با بیان اینکه میزان مصرف سالانه برنج در کشور حدود ۲٫۸ تا ۳ میلیون تن است، تصریح کرد: از این میزان، حدود ۲۶ تا ۲۷ میلیون تن در داخل کشور تولید می‌شود و مابقی برای تنظیم بازار و جبران کسری، از طریق واردات تأمین می‌شود.

وی با انتقاد از تأخیر در واردات برنج مورد نیاز کشور، اظهار کرد: برنجی که برای جبران کسری و تنظیم بازار در نظر گرفته شده بود، باید به موقع وارد کشور می‌شد و این تأخیر غیرقابل توجیه و جای سؤال دارد.

ابراهیمی با تأکید بر ضرورت حفظ ذخایر استراتژیک برنج کشور، خاطر نشان کرد: خوشبختانه در حال حاضر ذخایر استراتژیک برنج تأمین شده و از این بابت نگرانی خاصی وجود ندارد. وی در عین حال افزود: متأسفانه برخی افراد فرصت‌طلب و سودجو در این میان از شرایط سوءاستفاده کرده و با احتکار بخشی از برنج‌های موجود، باعث ایجاد التهاب در بازار شده‌اند.

این نماینده مجلس در مصاحبه تلفنی با رادیو گفت‌وگو با تصریح بر این موضوع که برخورد جدی و قاطع با این افراد و همچنین تنظیم دقیق زمان‌بندی تأمین کالاهای اساسی ضروری است، گفت: برنج به عنوان یک کالای اساسی در سبد غذایی خانوارها، نقش مهمی دارد و باید باقیمت مناسب و منطقی در اختیار مصرف‌کنندگان قرار گیرد.

وی تأکید کرد: قیمت‌های فعلی برنج در بازار به هیچ وجه مورد تأیید نیست و باید به سرعت برای تعدیل و کاهش آن اقدام شود.

ابراهیمی با اشاره به حجم بالای برنج‌های احتکار شده توسط افراد سودجو، گفت: باید با قاطعیت با این محتکران برخورد شود و برنج‌های احتکار شده به سرعت از انبارها خارج و در بازار عرضه شود.

وی افزود: متأسفانه بخشی از برنج تولیدی کشاورزان زحمتکش ما در استان‌های شمالی نیز به دلیل همین سوءمدیریت‌ها و نابسامانی‌ها در بازار، روی دستشان مانده و به فروش نرسیده است.



این نماینده مجلس با تأکید بر ضرورت تأمین کالاهای مورد نیاز مردم و توجه ویژه به قیمت مناسب این کالاها، اظهار داشت: متأسفانه شاهد تغییراتی در الگوی مصرف و روش تغذیه مردم هستیم و برنج به عنوان یک کالای اساسی، جایگاه ویژه‌ای در سبد غذایی خانوارها پیدا کرده است.

وی با تأکید بر اینکه وقتی کالایی با استفاده از روش‌های حمایتی و یارانه‌ای وارد یا تولید می‌شود، باید مدیریت و رصد بازار به گونه‌ای دقیق و کارآمد باشد که کالا باقیمت مناسب و منطقی به دست مصرف‌کننده نهایی برسد، گفت: متأسفانه در حال حاضر شاهد ضعف‌هایی در این زمینه هستیم و برخی اقدامات ناشایست و سوءمدیریت‌ها، باعث ایجاد التهاب و نابسامانی در بازار شده که به هیچ وجه قابل قبول نیست.

ابراهیمی با انتقاد شدید از سودجویی برخی افراد فرصت‌طلب، افزود: مردم نباید تاوان این گرانی‌ها و سوءاستفاده‌ها را بپردازند. ما خواستار ورود جدی و قاطع حاکمیت، دولت و وزارتخانه‌های ذی‌ربط به این موضوع و برخورد قانونی با متخلفان هستیم. وی با تأکید بر اینکه مصرف سرانه برنج در کشور ما حدود ۳۲ تا ۳۳ کیلوگرم برای هر نفر در سال است، گفت: باید این میزان برنج با کیفیت مناسب و قیمت منطقی به صورت مستمر و بدون وقفه تأمین شود.

این نماینده مجلس افزود: ما در لایحه بودجه سال ۱۴۰۴ نیز برای حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان، یارانه‌های لازم را پیش‌بینی کرده‌ایم.

وی با بیان اینکه تولیدکنندگان برنج کشور، جزو زحمت‌کش‌ترین و مولدترین اقشار جامعه هستند، گفت: قیمت فعلی برنج در بازار، به هیچ وجه با زحمات و هزینه‌های آن‌ها همخوانی ندارد و قیمت مطلوبی برای سفره مردم محسوب نمی‌شود. وی افزود: باید با نگاهی دلسوزانه و مبتنی بر خدمت بی‌منت به مردم، به این موضوع توجه کنیم و بدانیم که الان زمان تعلل و کوتاهی نیست.

ابراهیمی خواستار ورود جدی، فوری و عملیاتی وزارتخانه‌های جهاد کشاورزی، صمت، سازمان تعزیرات حکومتی و سایر دستگاه‌های نظارتی به این موضوع شد و تأکید کرد: باید با شناسایی و پلمب انبارهای احتکار برنج و عرضه سریع این کالاها به بازار، از ادامه التهاب و گرانی در بازار جلوگیری شود.

وی بر ضرورت ایجاد یک سازوکار پایدار و مستمر برای مدیریت بازار و تأمین کالاهای اساسی تأکید کرد تا در آینده شاهد چنین مشکلاتی نباشیم.

در ادامه محمد ترکیان در مصاحبه تلفنی با رادیو گفت‌وگو با بیان اینکه ثبت سفارش‌ها و فرایند واردات برنج معمولاً از اواخر شهریورماه هر سال و باهدف حمایت از تولید داخلی آغاز می‌شود، گفت: در سال جاری نیز این روال طی شده و تأخیری در ثبت سفارش‌ها از سوی وزارتخانه رخ نداده است.

وی افزود: متأسفانه برخی از بازرگانان و واردکنندگان به امید دریافت مشوق‌های بیشتر، اقدام به جمع‌آوری و خرید گسترده برنج‌های داخلی از کشاورزان کرده‌اند.

طولانی در بازارهای مختلف منجر می‌شود.

محمودی اصل، ضمن تأکید بر امکان خنثی‌سازی تحریم‌ها از طریق اصلاحات ساختاری، تصریح کرد: با جلوگیری از رانت‌های گسترده در حوزه‌هایی مانند تسهیلات معوق و تخصیص ارز، می‌توان منابع قابل توجهی را برای بهبود معیشت مردم و اداره کشور بسیج کرد.

وی مبارزه با رانت‌خواران را دشوارتر از مقابله با تحریم‌ها دانست و اظهار کرد: رانت‌خواران بانفوذ در ساختارهای اقتصادی، مانع از اجرای سیاست‌های اصلاحی می‌شوند و به التهابات بازار دامن می‌زنند.

مرکزی از جمله آنهاست.

این کارشناس اقتصادی در مصاحبه تلفنی با رادیو گفت‌وگو تک‌نرخ‌ی شدن ارز را تنها راه‌حل عملی برای مقابله با رانت و ایجاد ثبات در بازار دانست و گفت: در شرایط تحریمی، نیاز به تک‌نرخ‌ی کردن ارز بیشتر احساس می‌شود، اما متأسفانه برخی جریان‌ها با ایجاد التهاب در بازار، مانع از تحقق این هدف می‌شوند.

وی در خصوص تأثیر نوسانات نرخ ارز بر سایر حوزه‌های اقتصادی، توضیح داد: افزایش قیمت ارز، دلایل متعددی دارد که کاهش تولید ناخالص داخلی و سیاست‌های نادرست بانک

معاون توسعه بازرگانی سازمان جهاد کشاورزی استان تهران به شایعات مطرح شده در خصوص احتمال تغییر نرخ ارز ترجیحی اشاره کرد و گفت: این شایعات و گمانه‌زنی‌ها باعث شد تا برخی افراد باهدف کسب سود بیشتر، به احتکار برنج روی بیاورند.

وی با اشاره به اینکه احتکار برنج توسط این افراد، منجر به کاهش عرضه و در نتیجه افزایش غیرمنطقی قیمت برنج داخلی و وارداتی در بازار شده است، تصریح کرد: سازمان جهاد کشاورزی با همکاری استانداری‌ها و مسئولان ذی‌ربط در استان تهران، در حال بررسی دقیق انبارهای برنج و شناسایی محتکران و برخورد قانونی با آن‌هاست.

ترکیان با بیان اینکه در حال حاضر ذخایر برنج در استان تهران در وضعیت مطلوبی قرار دارد، افزود: برای تأمین نیاز فروشگاه‌های زنجیره‌ای و همچنین سازمان میادین میوه و تره‌بار، سهمیه مشخصی از برنج در نظر گرفته شده و در حال توزیع است. ترکیان ابراز امیدواری کرد که با این اقدامات، برنج مورد نیاز مردم تا قبل از فرارسیدن ماه مبارک رمضان، به دست آن‌ها برسد.

وی در ادامه توضیحات خود گفت: ما توزیع برنج را آغاز کرده‌ایم و ان‌شاءالله تا قبل از ماه رمضان، این کالا به دست مصرف‌کنندگان خواهد رسید. باتوجه به اینکه ماه رمضان از روز یکشنبه آغاز می‌شود، پیش‌بینی می‌کنیم تا پایان هفته جاری، اکثر شهرستان‌ها سهمیه برنج خود را دریافت کرده و توزیع آن را آغاز کنند. در تهران نیز سازمان میادین میوه و تره‌بار، تاکنون حدود ۲۰ تا ۳۰ درصد از برنج مورد نیاز خود را تحویل گرفته و روند توزیع آن ادامه دارد.

معاون توسعه بازرگانی سازمان جهاد کشاورزی استان تهران در پاسخ به سؤالی در مورد میزان کاهش قیمت برنج، اظهار داشت: برنج وارداتی، نوع ۱۱،۲۱ هندی، باقیمت هر کیلو ۴۳ هزار و ۱۰۰ تومان در اختیار سازمان میادین قرار می‌گیرد و باقیمت مصوب هر کیلو ۴۸ هزار و ۲۵۰ تومان به دست مصرف‌کنندگان خواهد رسید.

وی در خصوص برنج ایرانی نیز گفت: برنج ایرانی در حال حاضر در طرح تنظیم بازار قرار ندارد. برنج‌هایی که در اختیار دولت است، عمدتاً برنج‌های وارداتی هستند که توسط سازمان غله وارد و توزیع می‌شود.



محمودی اصل افزود: بانک مرکزی به‌جای مدیریت تقاضا، بر مدیریت عرضه تمرکز کرده و با تحریک تقاضا برای کالاهایی مانند طلا و سکه، به التهابات بازار دامن می‌زند.

وی بر ضرورت بازنگری در سیاست‌های اقتصادی و حرکت به سمت حمایت از تولید تأکید کرد و گفت: باید با ایجاد حاشیه سود مناسب برای تولیدکنندگان، انگیزه سرمایه‌گذاری در بخش تولید را افزایش داد و از گرایش به سمت بازارهای غیرمولد جلوگیری کرد.



آیادولت جلوی چالش تورم کالاهای وارداتی در ۱۴۰۴ را گرفت؟

در حالی شاهد تصمیم‌گیری بودجه‌ای برای افزایش نرخ ارز کالاهای اساسی از ۲۸۵۰۰ تومان به ۳۸۵۰۰ تومان در بودجه ۱۴۰۴ بودیم، به نظر می‌رسد با توجه به اتفاقات اخیر، با دخالت معاون اول رئیس جمهور جلوی این اتفاق که می‌توانست تبعات تورمی جدی داشته باشد، گرفته شد.

در لایحه بودجه سال ۱۴۰۴، افزایش نرخ ارز کالاهای اساسی از ۲۸۵۰۰ تومان به ۳۸۵۰۰ تومان پیش‌بینی شده بود. با این حال به نظر می‌رسد با دخالت معاون اول رئیس جمهور در کنار مخالفت هیات عالی نظارت مجمع تشخیص مصلحت نظام، این تصمیم که می‌توانست تبعات تورمی جدی به همراه داشته باشد، متوقف شده است.

در لایحه بودجه سال آینده پیشنهادی در خصوص افزایش نرخ ارز ترجیحی برای کالاهای اساسی از ۲۸۵۰۰ تومان به ۳۸۵۰۰ تومان را مطرح کرده بود. در خصوص علت این اقدام گفته می‌شد که کاهش فاصله بین نرخ ارز دولتی و بازار آزاد و همچنین کاهش رانت ارزی از جمله اهداف در نظر گرفته شده بوده است.

ماراتن نفس‌گیر گاز در ایران



سعید نوری کرم

ایران، سرزمینی غنی از منابع نفت و گاز، با چالش ناترازی گاز طبیعی مواجه است؛ چالشی که همچون تهدیدی پنهان، اقتصاد و امنیت انرژی کشور را تحت تأثیر قرار داده است. این ناترازی، که ناشی از شکاف عمیق میان تولید و مصرف گاز است، ریشه در وابستگی ۷۲ درصدی سبد انرژی کشور به این منبع حیاتی دارد.

در حالی که ایران بر روی دریایی از گاز (با ۲۱ درصد ذخایر جهان و مالکیت میدان عظیم پارس جنوبی) نشسته، تمرکز افراطی بر این منبع و غفلت از تنوع‌بخشی، به مغضلی خاموش دامن زده است.

در سال ۱۴۰۱، این ناترازی به بهای گزاف ۱۴ میلیارد دلار زیان، قطعی گاز صنایع، کاهش تولید اوره، متانول و فولاد و مصرف سوخت‌های مایع تمام شد. سال ۱۴۰۲ نیز، با وجود زمستانی گرم‌تر، این روند ادامه یافت و مصرف ۱۷٫۶۴ میلیارد لیتر سوخت مایع در نیروگاه‌ها، گواه دیگری بر این مسئله بود. این در حالی است که تنها ۱ درصد از انرژی اولیه کشور از منابع پاک‌ی چون برق آبی و انرژی‌های نو تأمین می‌شود.

اکنون، ایران بر سر دوراهی قرار گرفته است: تداوم این مسیر پرخطر یا چرخش به سوی آینده‌ای پایدار.

توسعه نیروگاه‌های تجدیدپذیر (با هدف گذاری ۱۲ هزار مگاوات در برنامه هفتم)، تکمیل نیروگاه اتمی بوشهر (با هدف ۳ هزار مگاوات)، بهینه‌سازی مصرف سوخت‌های مایع، توجه به اقلیم و مزیت‌های منطقه‌ای، کاهش هدررفت انرژی و ارتقای راندمان نیروگاه‌ها، گام‌هایی حیاتی برای رهایی از این مسئله و تضمین امنیت انرژی کشور هستند.

آیا ایران می‌تواند از این آزمون سربلند بیرون آید و به جای وابستگی مطلق به گاز، به سمت سبد انرژی متنوع و پایدار حرکت کند؟

موسیقی ایرانی نماد تاریخ، فرهنگ، قدمت و هنر این مرز و بوم است

آیدین نورمحمدی



لوک خوش شانس از کجا آمد؟

داستان‌ها در غرب وحشی می‌گذرند و ترکیبی از ماجراجویی و طنز هستند که اغلب کلیشه‌های سینمای وسترن را به سخره می‌گیرند.

به گزارش جماران به نقل از العربیه، لوک خوش شانس یک شخصیت خیالی در کتاب‌های کمیک فرانسوی-بلژیکی است که کارتون‌بیس بلژیکی موریس او را در سال ۱۹۴۶ خلق کرد. لوک از زمان پیدایش خود در سریال‌های انیمیشنی و فیلم‌ها و کارتون‌های سینمایی ظاهر شده و جایگاه بزرگی در فرهنگ عامه جهان یافته است.

کمیک‌های لوک خوش شانس ماجراهای این کابوی ماهر را دنبال می‌کنند که تحت عنوان «مردی که سریع‌تر از سایه‌اش شلیک می‌کند» شناخته می‌شود. داستان‌ها در غرب وحشی آمریکا می‌گذرند و ترکیبی از ماجراجویی و طنز هستند که اغلب کلیشه‌های سینمای وسترن را به سخره می‌گیرند.

لوک خوش شانس معمولاً با برادران دالتون، بیلی بچه‌صورت، مقامات فاسد یا راهزنان مبارزه می‌کند، و اسب باهوش و تنبلش جالی جامپر و سگ احمقش زن‌تن‌پلن (بوش‌وگ در دوبله فارسی) او را همراهی می‌کنند.

در ابتدا موریس به‌تنهایی داستان‌ها را طراحی و روایت می‌کرد، اما زمانی که رنه گوسینی، کمیک‌نویس فرانسوی، در ۱۹۵۵ نویسنده‌گی را بر عهده گرفت، محبوبیت مجموعه افزایش یافت و طنز هوشمندانه‌ای به آن اضافه شد.

پس از درگذشت گوسینی نویسنده‌گان مختلفی کار را ادامه دادند. این مجموعه همچنان یکی از محبوب‌ترین کمیک‌های اروپا است، و تاکنون بیش از ۸۰ جلد از آن منتشر شده است.

لوک چندین بار به سریال کارتون تبدیل شده است. کمپانی آمریکایی «هانا-باربرا» در سال ۱۹۸۳ یک سریال ۲۶ قسمتی از آن ساخت و ماجراهای طنزآمیز لوک را به مخاطبان گسترده‌تری معرفی کرد. این سریال با سبک کمیک‌ها تفاوت‌هایی داشت، و برای این‌که در آمریکا برای کودکان پخش بشود تغییراتی در محتوای آن ایجاد شد. مثلاً لوک سیگار نمی‌کشید و به جای چوبی در دهان داشت. کلیشه‌های نژادی نیز کنار گذاشته شده بود.

در سال ۱۹۹۱ کمپانی «آی‌دی‌ای‌چ پروداکشنز» یک سریال ۵۲ قسمتی با محوریت لوک ساخت که به سبک کمیک‌ها وفادارتر بود. آخرین سریال انیمیشنی بر اساس لوک هم در سال ۲۰۰۱ تحت عنوان «ماجراهای جدید لوک خوش شانس» ساخته شد.

لوک قهرمان چند کارتون سینمایی نیز بوده است. «دیزی تاون» (۱۹۷۱) اولین کارتون بلند سینمایی با حضور لوک خوش شانس بود. در کارتون بعدی به نام «ترانه دالتون‌ها» (۱۹۷۸) لوک با مشهورترین دشمنان خود برادران دالتون روبرو شد. کارتون سینمایی بعدی که حدود سه دهه بعد (۲۰۰۷) ساخته شد، اولین حضور لوک در یک انیمیشن سه‌بعدی را رقم زد.

لوک خوش شانس در گذار زمان چنان محبوب شد که به سینما نیز راه یافت، و تاکنون سه فیلم بر اساس شخصیت او و ماجراهایش با بازیگران بزرگ ساخته شده است. مشهورترین آنها «لوک خوش شانس» (۱۹۹۱) با حضور بازیگر محبوب ایتالیایی ترنس هیل در نقش لوک است. «لوک خوش شانس و دالتون‌ها» (۲۰۰۴) و «لوک خوش شانس» (۲۰۰۹) هر دو اقتباس‌های فرانسوی هستند که کمتر شناخته شده‌اند.

لوک در ایران نیز شخصیت شناخته‌شده و بسیار محبوبی است، و بخش اعظم محبوبیت خود را مدیون دوبله طنزآمیز ماهرانه کارتون‌هایش به زبان فارسی است. منوچهر والی‌زاده در کارتون‌های سینمایی قدیمی و سریال‌های کارتون لوک به جای او حرف زده است، و حسین عرفانی به جای اسب او جالی و محمد عبادی به جای سگ او بوش‌وگ هنرنمایی کرده‌اند.

آیدین نورمحمدی که موسیقی را با فراگیری آواز و خواندن تصانیف شروع کرد، از ۹ سالگی ویلن نواختن را در اولویت قرار داد و پس از مراحل مقدماتی به تحصیل ردیف استاد ابوالحسن خان صبا نزد پدرش پرداخت. بعدها به ویلن‌نوازی کلاسیک غربی علاقه‌مند شد و این شیوه نوازندگی را انتخاب کرد و ادامه داد و در این راه از تعالیم استادانی چون زاون یدیقاریانس و سیاوش ظهیرالدینی بهره جست. او با شنیدن نوای کمانچه رحمت‌الله بدیعی در آثار به سرپرستی استاد فرامرز پاپور به ساز کمانچه علاقه‌مند شد و در این راه از آموزه‌های استاد محمدرضا لطفی استفاده کرد. وی از محضر آندره مرادیان و محسن الهامیان در نوازندگی پیانو و مبانی موسیقی و آهنگسازی نیز بهره‌مند شده و وزن خوانی و ریتم را نزد بهمن رجبی آموخته است. همزمان با انتشار قطعات آلبوم او با عنوان «به یاد بهاری» با او گفت‌وگو کرده‌ایم:

موسیقی ابزار برقراری ارتباط من با دیگران است

آیدین نورمحمدی در ابتدا از نحوه شکل‌گیری آلبوم خود گفت: هر هنری که ارائه می‌شود تا به دست مخاطب خود برسد، نوعی برقراری ارتباط با دیگران است و من نیز ترجیح دادم با خلق آثارم، با دیگران ارتباط برقرار کنم و چه چیزی بهتر از موسیقی؟ موسیقی ابزار برقراری ارتباط من با دیگران است.

وی درباره پرداختن به موسیقی سنتی در همراهی با ویلون گفت: موسیقی سنتی یا بهتر است که از آن با عنوان موسیقی ایرانی نام ببریم، نقش پر رنگ و جایگاه ویژه‌ای دارد، به عبارتی وقتی شما به این نواها و آثار به جا مانده گوش فرا می‌دهید گویا تاریخ، فرهنگ، قدمت و تمام ویژگی‌های فرهنگی این سرزمین را روایت می‌کند. به همین دلیل قطعاً انتخاب اول و اولویت من برای فعالیت در عرصه موسیقی بوده است، اما با انواع موسیقی‌های دیگر مخالف نیستم و اگر بتوانم حتماً سبک‌های دیگر را نیز تجربه می‌کنم.

وی افزود: از آن جایی که پدرم نوازنده ویلون‌اند، نوای این ساز و شنیدن آثار بزرگانی چون حبیب‌الله بدیعی، اسدالله ملک و ... اشتیاق من را برای نوازندگی ویلون به ثمر رساند. اما در ابتدا نوای ساز پدرم بود که بیشترین تأثیر را در انتخاب من گذاشت. در ادامه نیز اساتیدی چون ابوالحسن صبا، محمدرضا لطفی، رحمت‌الله بدیعی، اسدالله ملک، علی اصغر بهاری، احمد عبادی و ... بیشترین تأثیر را در سبک من داشته‌اند، که نقش استاد صبا و لطفی شاید پر رنگ تر باشد. در ادامه نیز آثار و نواخته‌های استاد صبا در ویلون ایرانی و اجراهای یاشاهایفتر در ویلون کلاسیک

بیشترین الهام بخشی را برای من داشته‌اند.

موسیقی‌ها با ریشه‌های مختلف؛ هدفی مشترک دارند

وی با تأکید بر این‌که موسیقی ایرانی و کلاسیک غربی می‌توانند در کنار هم رشد کنند و همزیستی داشته باشند، گفت: موسیقی‌های هنری و کلاسیک شاید ریشه‌های فرهنگی مختلفی داشته باشند، ولی غایت و هدف مشترکی دارند و آن هم هنر و فرهنگ و اصالت است. بنابراین رشد و شکوفایی آن‌ها هیچ منافاتی با یکدیگر ندارد.

نورمحمدی اضافه کرد: میل به موسیقی یک نیاز فطری و ذاتی در انسان است و همیشه انسان‌ها در طول تاریخ و در بدترین شرایط هنر را ادامه داده‌اند که موسیقی یکی از این هنرهای اصلی است و عوامل مختلف مانند ممانعت دولت‌ها و غیره نتوانسته مانع فعالیت‌های هنری باشد.

در ایران نیز متأسفانه موسیقی هیچ جایگاه و ارزش و حمایت درخوری از نظر ساختاری ندارد و در خیلی از مواقع بر سر بودن یا نبودن آن بحث است. اگر این‌طور نبود، اکثر موسیسی‌ها مجبور نبودند برای امرار معاش، به شغل‌های دیگر پناه ببرند.

این نوازنده ویلون با اشاره به چالش‌ها و موانع مختلف در آهنگسازی و نوازندگی در عرصه موسیقی ایرانی گفت: مهم‌ترین چالشی که پیش روی اکثر نوازندگان ویلون و سازهای دیگر هست، کمبود ساز استاندارد و با کیفیت، حرفه‌ای و ابزار کار



مورد نیاز است که با توجه به ممنوعیت واردات آلات موسیقی به معضلی بزرگ تبدیل شده است.

محصول همکاری با هم‌تایان ارمنی، روس و ترک در بازار ایران این موسیسی‌ها هم‌کاری‌های خود برای برنامه‌های پیش رو گفت: در حال فعالیت با تعدادی از هنرمندان ارمنستانی و روسی و ترکیه‌ای هستیم که به زودی آثار مشترکی را تولید و منتشر خواهیم کرد. البته تعدادی از آثار به همراه دوست هنرمندم در استانبول به نام عثمان دوغان در حال تکمیل و ارائه است که در صد نشر و ارائه آن‌ها به دست علاقه‌مندان هستیم. این آثار مشترک در بازار ایران به سمع و نظر همگان خواهد رسید.

«کربلا و هویت؛ ملت، اسلام و ادبیات بنگالی» نگاهی نوآورانه دارد

مهدی فدایی‌مهربانی- ماشاءاله شاکری- هادی عظیمی- افسیتا هالدر

نشست نقد و بررسی کتاب «کربلا و هویت؛ ملت، اسلام و ادبیات مسلمانان بنگالی» نوشته افسیتا هالدر، با حضور مهدی فدایی مهربانی، ماشاءاله شاکری، هادی عظیمی و نویسنده کتاب در سرای اهل قلم برگزار شد.

ماشاءاله شاکری در این نشست درباره کتاب «کربلا و هویت؛ ملت، اسلام و ادبیات بنگالی» گفت: این کتاب مطالعه‌ای تطبیقی از نگاه‌های پژوهشگران و نویسندگان بنگالی‌زبان و اردوزبان منطقه بنگال است و با تمرکز بر نقش حادثه کربلا در شکل‌گیری هویت دینی و اجتماعی مسلمانان بنگال از چند منظر دارای اهمیت علمی، پژوهشی و ابتکاری است. این اثر با تمرکز بر نقش حادثه کربلا در شکل‌گیری هویت دینی و اجتماعی مسلمانان بنگال از نظر سبک نثر و نگارش دارای اهمیت است، چراکه یکی از نمونه‌های برجسته پژوهش‌های علمی است که هم از شیوایی و روانی برخوردار است و هم استحکام علمی و ساختارمند بودن آن مشهود است.

وی افزود: نثر کتاب به گونه‌ای است که مفاهیم پیچیده را با زبانی قابل درک ارائه می‌دهد. افسیتا هالدر، نویسنده کتاب از اصطلاحات تخصصی بهره گرفته اما آن‌ها را به گونه‌ای توضیح داده که برای مخاطبان متنوع از دانشجویان تا پژوهشگران حرفه‌ای قابل فهم باشد.

شاکری ادامه داد: کتاب به چند فصل اصلی تقسیم شده که هر یک به بررسی یک جنبه خاص از موضوع می‌پردازد. به عنوان

مثال فصل‌های ابتدایی در خصوص زمینه‌های تاریخی و دینی حادثه کربلا است، فصل‌های میانی بر روی بازتاب کربلا در ادبیات و فرهنگ مسلمانان بنگالی تمرکز دارد و فصل‌های پایانی مربوط به تحلیل مفاهیم هویتی و اجتماعی برگرفته از حادثه کربلا است. وی درباره نگرش نویسنده کتاب گفت: این نگرش سنجش‌گر حتی دیدگاه نویسندگان هندو مذهب در خصوص اعتقادات سیاسی و اجتماعی مسلمانان را مورد توجه قرار داده است؛ مسئله‌ای که در نهضت ضداستعماری هند برای دستیابی به استقلال کانون تنازعات مسلمانان و هندوها نیز بود.

شاکری اضافه کرد: بهره‌گیری از سؤگنامه‌های سروده‌شده با زبان بنگالی که شبیه به سروده‌های دیگر زبان‌ها در عزای امام حسین(ع) است، از دیگر ویژگی‌های این کتاب است. همچنین ژرف‌نگری نویسنده بر استخراج متون از بین متون بنگالی در کتابخانه‌های داکا و کلکته ارزش پژوهش را ارتقاء داده است.

هادی عظیمی نیز در ادامه این نشست در خصوص کتاب «کربلا و هویت» گفت: ادبیات عاشورایی با نوشتن درباره موضوع عاشورا دو مقوله جداگانه است. خانم هالدر از ادبیات عاشورایی نیز در



این کتاب استفاده کرده و به امت‌سازی کربلا اشاره کرده است که نگاهی نوآورانه است. تئوری‌های نقد ادبی را که وی مورد استفاده قرار داده، نیز در منابع دیگر کمتر دیده‌ام و مشخص است که او با یک نگاه کاملاً آکادمیک به نگارش این کتاب پرداخته است.

وی افزود: خیلی از کتاب‌ها از منظر تأثیر کربلا بر زندگی شیعه نوشته شده است، اما این کتاب نگاهی جامع‌تر دارد. همچنین به نقد برخی رفتارهایی که در عزاداری‌ها موجب اسلام‌هراسی می‌شود نیز پرداخته است که می‌توان در آینده بیشتر به آن پرداخت.

درآمدی تئوریک بر هویت اجتماعی

محمد راجی - محمد محمدی نیا



دست آوردن آگاهی و بازتعریف انسان، واقعیت، هویت، جامعه و در یک کلام تمامی معانی است که انسان پیشافناوری با آن زیست می‌کند.

در این میان، مفهوم «هویت» از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. هویت اصطلاحی است که به ویژه در سال‌های اخیر در بسیاری از زمینه‌ها و برای اهداف مختلف از آن استفاده شده است. پارادوکس اساسی هویت در خود این اصطلاح نهفته است. این اصطلاح از ریشه لاتین *idem* به معنای «یکسان» است، با این وجود، هم بر شباهت و هم تفاوت دلالت دارد. از یک سو، هویت چیزی منحصره‌فرد برای هر یک از افراد است که در طول زمان تقریباً ثابت است. هویت ما چیزی است که به طور منحصره‌فردی در اختیار داریم و ما را از سایر افراد متمایز می‌کند. با این حال، از سوی دیگر، هویت همچنین متضمن ارتباط با یک گروه جمعی یا اجتماعی گسترده‌تر است. به عنوان مثال، وقتی از هویت ملی، هویت فرهنگی یا ... صحبت می‌شود، به این نکته اشاره داریم که هویت ما تا حدی به چیزهایی بستگی دارد که با افراد دیگر به اشتراک می‌گذاریم. در اینجا، هویت با مفهوم همذات‌پنداری با دیگران گره خورده است؛ دیگرانی که تصور می‌شود حداقل از جهات مهمی - اگرچه نه دقیقاً یکسان - شبیه ما هستند.

هویت مفهومی بسیار گسترده و مبهم است که در علوم اجتماعی به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته و هر اندیشمند اجتماعی با نظر به پایگاه معرفتی که بدان تعلق دارد، به توصیف و تفسیر آن پرداخته است. توجه به هویت، پرسش‌های بسیاری را پیش روی ما قرار می‌دهد؛ از نحوه تکوین هویت، ایستا یا پویا بودن هویت، بر ساخت‌بودن یا نبودن هویت، نقش و تأثیر محیط، جامعه، افراد، ساختارها و نهادهای قدرت در تقویم هویت و غیره. برای مثال تأمل در چیستی هویت، ما را به هردو جنبه آن (ثابت و سیالیت) رهنمون می‌شود. در هویت همانگونه که بر «خودبودگی» تأکید می‌شود، توأمان «دگربودگی» نیز حضوری پررنگ دارد. هویت اگر بر پاشنه‌ای ثابت بچرخد، امکان تغییر را از «من» می‌گیرد و اگر بر شیپور سیالیت نواخته شود، «ثابت‌بودگی و ایستار هویت» را از دست خواهیم داد، با این حال اندیشمندان علوم انسانی به ویژه جامعه‌شناسان در تحلیل هویت، گاه بر سویه ثابت و گاه بر سویه سیال توجه خود را معطوف می‌دارند.

این پژوهشگر و مدرس دانشگاه در مقام نتیجه‌گیری گفت: از ویژگی‌های عصر دیجیتال آن است که هویت از امری ایستا تبدیل به امری سیال شده و ریشه در یک بنیاد و بنیانی نداشته و به امری ایستا رجوع نمی‌یابد. این امر به دلیل وضعیت مدرنیته (و مدرنیته متاخر یا همان پست مدرن) است که در آن از انسان به مثابه یک هویت مستقل، هویت‌زایی شده است تا آنجا که در ادبیات کانت و پس از آن، دسترسی و شناخت از انسان به حداقل می‌رسد. از این‌رو پژوهشگرانی که بر ابعاد سیال‌بودگی هویت تأکید دارند، در انتهای مسیری هستند که پیشتر سنگ‌بنای آن را فیلسوفان غربی عصر روشنگری و پیروان آنها بنا نهاده‌اند. با تبدیل هویت به امری سیال و فاقد ارجاع، رژیم‌های مختلف قدرت، مراقبت و انضباط می‌توانند هویت را بر ساخته و جهت‌دهی کنند. اگر مولفه‌های متعددی را در هویت دخیل بدانیم، یکی از مهمترین مولفه‌ها در قالب‌بخشی به هویت انسانی در عصر سایبر یا دیجیتال، رسانه‌ها هستند. برخی اندیشمندان همانند راب کاور با انتقاد از رویکردهایی که به ایجاد شکاف و تمایز میان زندگی مجازی در برابر زندگی واقعی علاقه

مقابل انسان‌ها به یکدیگر را از میان برده و اجتماعات مجازی را به دلیل ساختگی و ناپایدار بودن، در معرض شکنندگی قرار می‌دهد و معضل تنهایی و انزوای روحی را دوچندان می‌کند. از آنجا که هویت شکل‌گرفته در این فضا از طریق بازنمایی است، این هویت به شدت ناپایدار و فریبنده است. کاربران به دلیل نبودن متافیزیکی و تبدیل شدن بدن به گوشت، پیوند گرم و مستقیمی را که در تعاملات رودرو وجود دارد، احساس نمی‌کنند. صمیمیت‌ها ساختگی است و اخلاقی، هنجار یا تعهدات اخلاقی کاهش یافته و چه بسا موجب تشدید بی‌تفاوتی در سایر روابط خارج از VR شود.

این پژوهشگر علوم اجتماعی افزود: فضای مجازی علاوه بر بازنمایی هویت، جهان‌های ممکن و خیالی را نیز بازنمایی می‌کند. این بازنمایی و بازسازی امکان مختلف در فضای مجازی، امکان سفر به مناطق دوردست را از طریق رایانه (یا تلفن همراه) فراهم می‌سازد. کاربر به طور همزمان، هم در مکان فیزیکی و هم در مکان بازنمایی شده حاضر می‌شود. این حضور دوگانه پرسش متافیزیکی مکان را باردیگر نمایان می‌سازد. همچنین مفهوم زمان نیز با ظهور جهان‌ها ساختگی در واقعیت مجازی، مورد بازاندیشی مجدد متافیزیکی قرار می‌گیرد زیرا باید بین زمان در دنیای شبیه‌سازی شده مجازی و زمان در جهان طبیعی - فیزیکی تمایز قائل شد. ارتباطات و تعاملات در فضای مجازی برخلاف ارتباطات در «زندگی واقعی» ممکن است همزمان و دقیقاً با زمان واقعی منطبق باشد (مانند کنفرانس ویدیویی و اتاق‌های گفتگو) و یا آنکه ناهمزمان و به طور گسترده و غیرقابل پیش‌بینی از گذر زمان در سایر تعاملات مجازی یا با زمان خارج از شبیه‌سازی، واگرایی داشته باشد. (مانند تبادل ایمیل) حتی ممکن است زمان در فناوری‌هایی مانند واقعیت مجازی متوقف شده یا به عقب بازگردد.

فضای مجازی با ایجاد آزادی انتخاب در کاربر برای انتخاب بدن‌های مجازی و تغییر ذات‌ه جنسی کاربران، بنیان خانواده را در معرض تهدید قرار می‌دهد. غوطه‌ور شدن مکرر در سناریوهای جنسی، این انتظار را در کاربر تقویت می‌کند که در دنیای واقعی نیز از شریک زندگی خود، انتظار اجرایی شدن این سناریوها (برده‌داری، رفتارهای خشونت‌آمیز یا سادیستی در حین رفتار جنسی) را داشته باشد. مطابق با پژوهش‌ها، قرار گرفتن در معرض تصاویر پورنوگرافی سبب می‌شود که مردان، زنان «متوسط» یا شریک زندگی خود را کمتر جذاب ببینند. واقعیت مجازی به دلیل غوطه‌وری و درگیرساختن حواس کاربر و اعطای آزادی در انتخاب شریک جنسی، میل تنوع‌طلبی و کمالگرایی جنسی را در مردان افزایش خواهد داد. بنابراین، یکی از پیامدهای احتمالی واقعیت مجازی تضعیف پیوندهای زناشویی و خانوادگی، افزایش نرخ طلاق و نیز افزایش آسیب‌های اجتماعی و خانوادگی خواهد بود.

رایجی در بیان نتایج بحث فوق اضافه کرد: با نظر به آنچه گفته شد، می‌توان فهمید که فضای مجازی، ابعاد مختلف زیست انسانی را تحت تأثیر قرار داده و هرچا این تکنولوژی‌های مجازی بنیان قدم بگذارند، دیر یا زود شاهد تحولات جدی خواهیم بود. فضای مجازی در نگاه برخی تهدیدی برای یکپارچگی تجربه انسان است. تکنولوژی‌هایی مانند واقعیت مجازی، بدن زیستی ما را به هم می‌ریزند. بدن‌های سایبر، تعادل هستی‌شناسانه را هرچه بیشتر برهم می‌زنند. وعده نهایی این تکنولوژی‌ها نه کنترل یا رهایی یا سرگرمی یا برقراری ارتباطات، بلکه دگرگون شدن، به

نشست علمی با موضوع «درآمدی تئوریک بر هویت اجتماعی» توسط اندیشکده حکمرانی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی با ارائه آقای محمد رایجی و نقد دکتر محمد محمدی نیا با دبیری دکتر روزبه زارع بصورت حضوری و مجازی برگزار شد.

جناب آقای محمد رایجی، پژوهشگر گروه سایبرپژوهی بنیادین در پیش‌نشست همایش ملی تنظیم‌گری به عنوان مقدمه درباره هویت مجازی گفت: فضای سایبر به طور خاص از آغاز مورد توجه محافل اندیشه‌ورزی قرار گرفت. بخشی از این توجهات برخاسته از پیامدهای هستی‌شناسانه، معرفت‌شناسانه و برخی دیگر نشأت‌گرفته از تبعات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و ... آن است. دریفوس با هشدار نسبت به گرایش فرهنگ قرن بیستم در «تفسیر انسان به عنوان یک نظام پردازش اطلاعات» رایانه را به عنوان حریف متافیزیکی قلمداد می‌کرد. او بیش از دیگران نسبت به پیامدهای هوش مصنوعی هشدار داده و در تلاش بود تا بتواند محدودیت‌هایی برای آن وضع کند. ریشه این بدبینی شوپنهاوری را شاید بتوان در همان پیامدهای تکنولوژی دانست. فضای سایبر (زین پس همچنین معادل فضای مجازی) نیز به دلیل برخی پیامدها، مورد ارزیابی انتقادی قرار گرفته است که به برخی از آن پیامدها اشاره می‌کنیم:

هنگامی که کاربر به درون جهان موجودیت‌یافته رایانه‌ای غوطه‌ور شود، شبکه روابط او با دیگر انسان‌ها دستخوش تغییرات جدی شده و دگرگونی هستی‌شناسانه‌ای حاصل از نمادهای دیجیتال، انسان را دربر می‌گیرد. در فضای سایبر انسان‌ها دگرگونی هستی‌شناسانه را (دگرگونی واقعیت یا تغییر در جهانی که زیر پایها را قرار دارد یعنی تغییری در کل متنی که دانش و آگاهی ما در آن ریشه دارد) تجربه می‌کنند. واقعیت، تبدیل به الگوهایی از اطلاعات شده و مرز واقعیت از نواقص به درستی تشخیص داده نمی‌شود. در این هنگام این چالش مطرح می‌شود که انسان، هنگام ورود به فضای مجازی، تا چه اندازه می‌تواند تغییر کند و با این‌حال همچنان انسان باقی بماند؟ این پرسش نشان از خطر تکنولوژی در دگربرداری انسان دارد. تکنولوژی با رهایی به درونی‌ترین زاویه وجود انسانی، علاوه بر هستی آدمی، شیوه دانستن، اندیشیدن و اراده ما را دگرگون می‌سازد.

تکنولوژی‌های جدید همچنین سبب می‌شود تا حساسیت خود نسبت به بدن‌هایمان را از دست بدهیم. ساده‌ترین نوع آگاهی مانند احساس حرکت بدن، درد اندامی، تنفس، تعادل و ... است که در این بستر، نوعی گسست ادراکی حاصل می‌شود. با غوطه‌وری افراد در فضای مجازی هرگونه تماسی با وضعیت درونی خود را از دست می‌دهیم. به مرور جنگ ویرانگری میان کارکردهای ذهن و سیستم عصبی از یکسو و کارکردهای هضم، گردش خون، تنفس، سیستم عضلانی از سوی دیگر ایجاد شده و سلامتی انسان تحت تأثیر این غوطه‌وری در معرض خطر قرار می‌گیرد. لذت حاصل از غوطه‌وری و «شیفتگی اروتیک» به فضای مجازی، کاربر را از تعامل با انسان‌ها در زندگی عادی دور ساخته و روابط مجازی جایگزین روابط انسانی در جهان انسانی می‌شود.

در ابتدا شاید اینگونه به نظر برسد که تعامل با انسان‌ها در فضای مجازی، در حکم جبران‌کننده ضعف‌ها و مرهمی برای رفع تنهایی افراد باشد. کاربران در هر زمان و هر مکان بدون توجه به محدودیت‌های فیزیکی، جغرافیایی، زمانی و ... می‌توانند به معاشرت با دیگران بپردازند اما این خوشبینی دیری نمی‌پاید که جای خود را به بدبینی می‌دهد زیرا این تکنولوژی‌ها، وابستگی

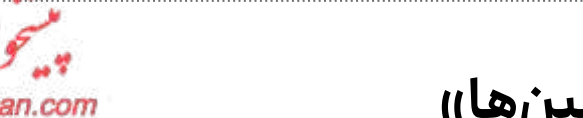
دارند، بر همپوشانی و یکسان‌نگاری این دو فضا تأکید دارد. به عقیده آنها انسان واقعی در زیست واقعی همان انسانی است که در وضعیت مجازی به سر می‌برد، بنابراین شکاف و ثنویت میان زیست واقعی و مجازی نیست. در حقیقت هویت انسانی که از مجرای تعامل و ارتباط با دیگران فرم می‌یابد، در عصر دیجیتال، به وسیله رسانه‌ها تقویم پیدا می‌کند. به همین خاطر است که انسان عصر دیجیتال، هویت آنلاین و افلاین داشته و در تحلیل هویت می‌بایست به امر مجازی توجه ویژه‌ای داشت.

محمد محمدی نیا، مدیر گروه سایبرپژوهی بنیادین و ناقد نشست، پرسش‌ها و نقاطی را برای تأمل بیشتر بیان کرد: ویژگی امکان پنهان شدن، نشان دادن یا بازنمایی خود به گونه‌های دیگر، صرف نظر از اینکه به چه شکل و زمینه و با چه هدفی باشد، مختص انسان است. اگر انسان‌ها در اجتماع، خود را با هویت بازنمایی می‌کنند، در عصر دیجیتال که همه امور دستخوش فناروانه است، چه هویتی برای انسان دیجیتال شکل می‌گیرد؟

به بیان دیگر در وضعیت ترسیم‌شده، انسان ایرانی مسلمانی که ریشه در سنت دارد و شاخ و برگ‌هایش در اتمسفر مدرنیته رشد کرده، چه هویتی می‌یابد؟ آیا این انسان به تعبیر شایگان هویت چهل‌تکه می‌یابد و یا به تعبیر کارن هورنای، تعارض‌های بیرونی را در خود درونی می‌کند و دچار گسست هویتی می‌شود تا سرانجام به یکسو بغلطد و به تعبیر هگل، یک من را بر سایر من‌ها مقدم کرده و به تعبیر فروید، دیگر ساحات خود را سرکوب کند یا آنکه مدعی هستیم می‌توان توأمان هم هویت ثابت و ایستای انسان را با نظر به علم النفس فلسفی خود نگاه داشت و در عین حال منطقه‌الغرافی نیز برای نفس کشیدن هویت سیال ایجاد کرد؟ در واقع چگونه می‌توان هم «من» فلسفی را نگاه داشت و هم به ملزومات مدرنیته مانند هویت سیال تن داد؟

اگر بتوان این پرسش‌ها را پاسخ گفت، در آن صورت شاید بتوان برای «بومیان دیجیتال» هویتی را مبتنی بر اندیشه اسلامی - ایرانی بر ساخت که هم هویت باقی بماند و هم حقیقت آدمی به سیالیت فروگاهیده نشود.

در پایان نشست، ارائه‌کننده محترم به پرسش‌های مطرح شده، پاسخی اجمالی داده و اظهار کرد که پاسخ تفصیلی به هویت مجازی، نیازمند نظریه‌پردازی درباره هویت در اندیشه اسلامی است و هویت مجازی به بازخوانی مباحث نفس در حکمت متعالیه نیاز دارد.



این یک آخرالزمان دیجیتالی است؛ معرفی انیمیشن «میچل‌ها علیه ماشین‌ها»



میچل‌ها علیه ماشین‌ها، در پی نشان دادن یک آخرالزمان مجازی است. آخرالزمانی که دجال‌های یک چشم آن، ربات‌ها و هوش‌های مصنوعی مدل جدید و به روزرسانی شده‌اند. دجال‌هایی که هیچ‌گونه نمی‌توان رو به روی آن‌ها درآمد، مگر با یک اتحاد خانوادگی!

خانواده نمادی است از یک رابطه قوی که برخلاف بقیه پدیده‌های جهان امروزی، بدون دخالت ماشین خلق شده‌اند پس تحکیم این رابطه خود یک مبارزه است با تغییراتی که ماشین و تکنولوژی ما را به سمت آن می‌برد.

اجازه دهید همین اول کار روشن‌تان کنیم، که قرار نیست انیمیشنی پیچیده، خاص و پرچالش رو به رو شوید. قرار نیست چیزی غافلگیرتان کند.

در این قاب دو ساعته همه چیز در ساده‌ترین شکل ممکن اتفاق می‌افتد، اما خسته نمی‌شوید! داستان این انیمیشن با معرفی خانواده‌ای گرم و صمیمی شروع می‌شود. خانواده میچل! خانواده‌ای که در نهایت سادگی و بی‌اعتنایی به قوانین جدید عصر تازه جهان، در حال زندگی هستند. خانواده‌ای متشکل از یک پدر، مادر، یک پسر، یک دختر، که شبیه تمام خانواده‌های دنیا با هم اختلافاتی دارند و در حال تلاش‌اند تا با اختلافات‌شان کنار هم به مسالمت‌آمیزترین شکل ممکن زندگی کنند. اما جذاب‌ترین قسمت این اختلافات، چالش‌های پدر و دختر خانواده است.

پدر میچل‌ها بازتاب صریحی از نمونه بارز یک پدر ایرانی است. مو نمی‌زند. تا جایی که احساس می‌کنید امکان دارد وسط فیلم، حتی کولر را هم خاموش کند و کنترلش را قورت دهد.

پدر (همانطور که حدس می‌زنید) با اعضای خانواده چالش‌های فراوانی دارد. او نقطه عطف ماجرای ماست. چرا؟ چون او در جهانی که روز به روز در حال نزدیک شدن به دیجیتال و هوش مصنوعی است، یک «تکنوفوبیک» است. او نه تنها به ابزارهای

هوشمند هیچ علاقه‌ای ندارد، حتی هیچ ایده‌ای در مورد دستورالعمل استفاده از کامپیوتر، وسایل و ابزار دیجیتال، انواع سخت افزارها و تلفن و تلویزیون برای تماشای فیلم‌هایی که به نوعی دختر او را به ستاره تبدیل کرده‌اند، ندارد.

او اما انسان عجیبی نیست. او پدری بزرگ شده در دامن سنت است. او از نسلی است که هیچ وقت یاد نگرفته چگونه احساسات خود را بیان کند. (هدایای عجیب و خاصی که برای افراد خانواده در مناسبت‌های مختلف خریده کاملاً* گویای این است.) و البته طبیعی است که پدر داستان ما، با سفر به ایالت میسیگان مخالف است.

میشیگان نام مقصد است. آنتیپایی رویایی در ذهن دختر میسیگان کتی میچل، که قرار است او را به آرزوی دیرینه‌ش یعنی «مدرسه فیلم سازی» برساند. دختر خانواده ما قرار است ستاره شود. ستاره شدنی که انگار، به ریسک برای تمام حوادث پر خطر راه می‌ارزد. و دقیقاً اینجاست آغاز چالش‌های جدی پدر، دختر، میسیگان و تکنولوژی! اما دلیل آنکه ما تصمیم به معرفی این انیمیشن گرفتیم، قفل و کلید نجات تمام گره‌ها در انیمیشن میچل‌ها علیه ماشین‌هاست؛ بله. تکنولوژی و هوش مصنوعی را می‌گوییم.

فضای دیجیتال، فضای مجازی و تکنولوژی بحران اصلی خانواده میچل‌ها علیه ماشین‌ها، در پی نشان دادن یک آخرالزمان

میچل‌ها علیه ماشین‌ها، در پی نشان دادن یک آخرالزمان

میچل‌ها علیه ماشین‌ها، در پی نشان دادن یک آخرالزمان

میچل‌ها علیه ماشین‌ها، در پی نشان دادن یک آخرالزمان

میچل‌ها علیه ماشین‌ها، در پی نشان دادن یک آخرالزمان

حانیه اخلاقی

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: محمد جواد اهووی
زیر نظر شورای سردبیری

عکس: طه اهووی | گرافیکست و صفحه آرا: سارا کولیوند
روابط عمومی: جهانگیر توسلی | ناظر هنری: محمدرضا مهدیانی
تلفن: ۰۲۱۸۲۰۵۲۰۱۸ - ۰۹۹۳۱۲۴۱۳۴ | آگهی‌ها: ۰۲۱۸۲۰۵۲۰۱۸
نشانی: بلوار کشاورز - خیابان عبدالته زاده - کوچه زیبا - پلاک ۴۴ - واحد ۵
چاپ: صمیم - ۴۴۵۸۲۸۴

FAZAMAJAZI
@ASREGANOON
@ASREGANOON



«کربلا و هویت؛ ملت، اسلام و ادبیات بنگالی» بنگالی «نگاهی نوآورانه دارد»

○ اسپیتا هالدر از ادبیات عاشورایی در کتاب «کربلا و هویت؛ ملت، اسلام و ادبیات بنگالی» استفاده کرده و به امت‌سازی کربلا اشاره کرده است که نگاهی نوآورانه است.

موسیقی ایرانی نماد تاریخ، فرهنگ، قدمت و هنر این مرز و بوم است

○ موسیقی سنتی یا بهتر است که از آن با عنوان موسیقی ایرانی نام ببریم، نقش پر رنگ و جایگاه ویژه‌ای دارد. به عبارتی وقتی شما به این نواها و آثار به جا مانده گوش فرا می‌دهید گویا تاریخ، فرهنگ، قدمت و تمام ویژگی‌های فرهنگی این سرزمین را روایت می‌کند.

1

1

فاجعه داوری

فریدون حسن



و ما مجبوریم بازی را بدون این سیستم انجام دهیم و سپس همان تصمیم اولیه خود را که به نظر من هم درست بود و خطایی اتفاق نیفتاده بود، تأیید می‌کرد و گل را می‌پذیرفت.»
خب قانون به صورت کاملاً واضح شرایط را عنوان می‌کند. حالا مسئله این است که وقتی داور مسابقه بدهی‌ترین قانون در مورد استفاده از سیستم کمک‌داور ویدئویی را نمی‌داند، چگونه می‌تواند قضاوت یک بازی حساس را بر عهده بگیرد. حالا ما با دو فرض روبه‌رو هستیم یا اینکه داور مسابقه از این قانون بی‌اطلاع بوده که طبیعی است، در این صورت اصلاً صلاحیت قضاوت در سطح اول فوتبال کشور و بازی‌های حساس آن را ندارد. در حالت دوم هم اینکه داور قانون را می‌داند و آن را اجرا نکرده که اینجا باید با او برخورد قانونی صورت گیرد و البته باز هم ثابت می‌کند چنین داوری صلاحیت قضاوت در سطح اول فوتبال کشور را ندارد.
حالا متوجه شدید چرا می‌گوییم داوری از فوتبال عقب مانده است، هر چند این روزها خود فوتبال هم چندان حرفی برای گفتن ندارد. تنها با حاشیه‌ها و مسائل جانبی است که به زور خود را سرپا نگه داشته، اما هر چه که هست نباید داوری آن تا اینقدر فاجعه‌بار باشد که داور یا قانون را نداند یا اینکه خدای ناکرده آن را سلیقه‌ای اجرا کند.

سال‌ها از این نوشتیم که داوری فوتبال همراه و همگام با خود فوتبال رشد نکرده است، دلایل خاصی هم داشتیم که اشتباهات تأثیرگذار داوران در جریان مسابقات فوتبال تنها یکی از آنها بود، ولی حالا کار به جایی رسیده که باید عنوان کنیم وضعیت داوری فوتبال حتی از خود فوتبال هم نابسامان‌تر است.
با گذشت سه روز از بازی تراکتور و خیبر خرم‌آباد هنوز بحث مردود اعلام‌شدن گل دوم تراکتور داغ است. علت داغ ماندن این مسئله با وجود پیروزی تراکتور در این بازی هم کاملاً مشخص است. داور بازی بعد از گل دوم تراکتور به کنار زمین آمد و ظاهراً بعد از بازبینی صحنه رأی اول خود را برگرداند و گل را مردود اعلام کرد. اعتراض بازیکنان تراکتور هم به جایی نرسید؛ اعتراضی که بعد از پایان مسابقه مشخص شد کاملاً درست و بجا بوده است، چون داور مسابقه اصلاً تصویری ندیده بود که بخواهد با بازبینی آن گل را مردود اعلام کند.
تصاویر و عکس‌هایی هم که بعد از مسابقه در رسانه‌ها منتشر شد، گویای همین واقعیت بود که مانیتور سیستم کمک‌داور ویدئویی بازی خاموش بوده است و داور اصلاً هیچ تصویری را ندیده است. قانون در این موارد کاملاً مشخص است. علی‌میرزاییگی، کارشناس داوری می‌گوید: «این صحنه، احتیاج به این داشته که داور به کنار زمین بیاید و تصمیم خود را کامل کند. در واقع وی‌آی‌آر به داور توصیه می‌کند به کنار زمین بیاید و تصمیم خود را بازبینی کند و تصمیم نهایی را بگیرد. وقتی داور کنار زمین می‌آید، با قطعی مانیتور مواجه می‌شود و این تصمیم هم طوری نبوده که خود وی‌آی‌آر به جای داور تصمیم بگیرد، پس داور باید در این لحظه کاپیتان دو تیم را صدا می‌کرد و می‌گفت وی‌آی‌آر دچار قطعی شده

حمایت از رشته زورخانه‌ای و پهلوانی



جلسه هیات ریسه فدراسیون بین‌المللی ورزش‌های زورخانه‌ای و پهلوانی؛

○ دکتر دنیامالی: حمایت از ورزش زورخانه‌ای و پهلوانی برای ما تکلیف است/ با همکاری فدراسیون ملی باید قدم‌های مثبتی برای توسعه این رشته برداریم
○ وزیر ورزش و جوانان گفت: حمایت از رشته زورخانه‌ای و پهلوانی یک تکلیف برای ما محسوب می‌شود و همه تلاش خود را در وزارت ورزش انجام می‌دهیم که از این رشته حمایت کنیم. این تکلیفی است که مقام معظم رهبری بر عهده ما گذاشته‌اند.

پیروزی قاطعانه آسمان خراش های ایران مقابل قزاقستان



○ تیم ملی بسکتبال مردان ایران در دومین بازی خود از پنجره سوم مسابقات انتخابی کاپ آسیا ۲۰۲۵ - عربستان، عملکرد درخشانی مقابل قزاقستان داشت و با نتیجه قاطع ۴۵ - ۸۸ مقابل میزبان خود به پیروزی دست یافت.
○ مسابقات انتخابی کاپ آسیا ۲۰۲۵ - عربستان در سه پنجره برگزار شد که به این ترتیب، تیم ملی ایران با کسب ۵ برد و یک باخت در این رقابت‌ها، به عنوان صدرنشین گروه E راهی مسابقات کاپ آسیا شد.
○ پیروزی آسان بسکتبال ایران بر قزاقستان
○ روز پایانی مسابقات انتخابی کاپ آسیا ۲۰۲۵ امروز دوشنبه در شهرهای مختلف منطقه غرب آسیا پیگیری شد و تیم ملی بسکتبال ایران در شهر آستانه به مصاف قزاقستان رفت.
○ کاپ آسیا ۲۰۲۵ از ۱۴ تا ۲۶ مرداد ۱۴۰۴ در عربستان برگزار خواهد شد.

درسی که باید از شکست جوانان مقابل ژاپن گرفت عقب افتادگی مقابل قدرت‌های قاره

دنیاحیدری



ژاپن بود؛ آماری که نشان از برتری حریف در میدان داشت؛ حریفی که نه فقط در مالکیت توپ که در موقعیت گل، کرنر، شوت در چارچوب و خیلی مسائل دیگر برتری داشت و شاید اگر حفاظت از دروازه ایران به عهده آرشا شکوری نبود، کار حتی به ۱۲۰ دقیقه و ضربات پنالتی هم نمی‌کشید چراکه شاگردان عبدی تنها در ضربات آزاد و مهار توپ بود که برابر حریف بهتر عمل کردند و اگر مهارها و سیوهای خوب آرشا نبود، ژاپن خیلی زودتر صعودش به نخستین مرحله حذفی جام ملت‌های جوانان آسیا را جشن می‌گرفت.

تردید نیست که همکاری نکردن باشگاه‌ها دشواری‌های زیادی برای عبدی و تیمش رقم زد، اما مسئله این است که جوانان ایران در مصاف با ژاپن برنامه قابل قبولی نداشتند که بتواند حریف را زمینگیر کند و این نشان از ضعف تاکتیک شاگردان عبدی مقابل قدرت‌های قاره داشت و ثابت کرد صرف قهرمانی در کافا و برتری مقابل تیم‌هایی، چون ازبکستان، اندونزی و یمن نمی‌توان تصور کرد به قدرت قاره تبدیل شده‌ایم، هر چند جوانان ایران در ضربات پنالتی به ژاپن باختند، اما با نگاهی دوباره به مصاف خواهیم دید که ایران هیچ پلن دومی برای بازی با ژاپن نداشت و آنچه باعث شد کار تا ضربات پنالتی بکشد، تنها غیرت و همت بازیکنان بود. در واقع همانطور که عبدی نیز تأکید دارد، شاگردانش کم‌کاری نکردند، اما بضاعت آنها مقابل ژاپن بیشتر از

شدم، موقعیت مهمی را که در دستان ما بود در ضربات پنالتی از دست دادیم و حذف شدیم. امیدوار بودم این موضوع بالعکس اتفاق بیفتد و الان ما گروه شاد بودیم که قرار است برای بازی بعدی خودش را آماده کند. در هر صورت در ضربات پنالتی از دست هیچ‌کس کاری بر نمی‌آید. مگر اینکه بازیکنان توپ را داخل دروازه قرار دهند و دروازه‌بان هم بتواند سیوهای خوبی داشته باشد. بازی خیلی خوب، فکورانه و پرهیجانی بود. از این مسابقه لذت بردم. همه بچه‌ها تلاش خود را کردند. به آنها افتخار می‌کنم که در این سه سال کنار هم تربیت شدند و امیدوارم آینده خوبی داشته باشند.»

اما واقعیتی که نمی‌توان از آن غافل شد، تفاوت کیفی بازی ایران با ژاپن بود؛ مسئله‌ای که عبدی دلیل آن را تفاوت فوتبال دو کشور می‌داند: «شرایط فوتبال ایران و ژاپن خیلی متفاوت است. دو کشور آکادمی‌ها، باشگاه‌ها و تولید بازیکن متفاوتی دارند. این بازیکنان را از جایی نیابردیم بلکه خودمان آنها را در تیم ملی تولید کردیم و سپس به باشگاه‌ها رفتند.»

بی‌تردید باشگاه‌ها مثل قبل دست عبدی را در مسیر جام ملت‌های جوانان آسیا خالی گذاشتند؛ اتفاقی که همواره برای تیم‌های ملی رده پایه رخ می‌دهد، اما آمار بازی با ژاپن از واقعیت دیگری نیز پرده برمی‌دارد و آن تفاوت فاحش دو تیم در مسائل فنی و تاکتیکی است. مالکیت توپ در کل بازی به دست جوانان

آن نبود. شاید به همین دلیل هم است که تأکید دارد تیم‌های پایه باید در بازی‌های دوستانه و تدارکاتی بیشتری شرکت کنند. بازی‌هایی که می‌تواند آنها را محک بزند و برای روزهای دشواری، چون یک‌چهارم نهایی جام ملت‌های جوانان آسیا مهیا کند، به شرط آنکه در این دیدارهای دوستانه تدارک بازی با تیم‌های قدرتمندی، چون ژاپن دیده شود؛ تیم‌هایی که مقابل آنها مشکل داریم. در غیر این صورت همچنان مقابل امثال ازبکستان، اندونزی و یمن پیروز خواهیم بود و مقابل قدرت‌هایی، چون کره و ژاپن بازنده.

سامورایی‌ها سرنوشت جوانان ایران را تغییر دادند؛ تیمی که تنها یک برد دیگر لازم داشت برای آنکه در میان مسافران جام جهانی ۲۰۲۵ جوانان شیلی جای گیرد، اما سد محکم شاگردان عبدی مقابل ژاپن شکسته شد تا تیم ملی فوتبال جوانان ایران نتواند برای چهارمین بار حضور در این تورنمنت را تجربه کند.

غم و اندوه را می‌شد به وضوح در چهره عبدی دید، اما آنچه بعد از قبول شکست مقابل سامورایی‌ها بر زبان آورد، دلخوردی از آنهایی بود که در این مسیر او و شاگردانش را تنها گذاشتند: «متأسفانه باشگاه‌های زیادی با ما همکاری نکردند. برخی بیشتر به فکر خودشان بودند و می‌توانستند با شرایط بهتری بازیکنان را به ما بدهند. بازی‌های بین‌المللی فرای بازی‌های داخلی است. دست آنهایی که ما را کمک کردند، می‌فشارم و آنهایی را که کمک نکردند و حتی به ما پشت پا زدند، نه فراموش می‌کنم و نه می‌بخشم. باید از تیم‌های ملی بهتر حمایت شود. باید برنامه تمرینی ارائه‌شده را اجرا و زمین مناسب فراهم کنند. باید بازی‌های دوستانه زیاد و سرمایه‌گذاری در این رده انجام شود، در غیر این صورت عقب می‌رویم. همچنین دوستان ما در باشگاه‌ها بدانند که باید تولید بازیکن را بیشتر و با فلسفه منطقی تری ارائه دهند.»

عبدی تصورش را هم نمی‌کرد شاگردانش در ضربات پنالتی فرصت حضور در جام جهانی را از دست بدهند: «خیلی متأسف

در هیچ چیز افراط نکن که...
نتیجه‌اش نابودی و هلاکت است
(سوره انبیا، آیه ۹)